بسمه تعالی شأنه

چون کتاب مستطاب وسائل المحبین موسوم به

تنبیه الغافلین

مکرر طبع و منتشر شده بود و اهمیت لازم را بخط
و کاغذ آن نداده بودند و از اینجهت جالب توجه
نبود لذا اقل العباد محمد علی علمی دام توفیقه
اقدام بطبع این نسخه شریفه نمود
امید که مورد استفاده مؤمنین شود
و مسئلت از دعای خیر
فراموش ننمایند

گراور اصغر جانی - تهران ناصر خسرو

بسمه تعالی شأنه

چون کتاب مستطاب وسائل المحبین موسوم به

تنبیه الغافلین

مکرر طبع و منتشر شده بود و اهمیت لازم را بخط و کاغذ آن نداده بودند و از اینجهت جالب توجه نبود لذا اقل العباد محمد علی علمی دام توفیقه اقدام بطبع این نسخه شریفه نمود امید که مورد استفاده مؤمنین قرار گیرند و مسئلت از دعاء خیر فراموش ننمایند

گراور اصغر خانی - تهران ناصر خسرو

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی امرنا بالعلم والطاعة ونهینا عن الجهل والمعصیة وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین اما بعد چنین گوید مؤلف این رساله ومحرر اینمقاله الحقیر الفقیر الواثق بالفضل الصمدی بهاء الدین محمد بن ابراهیم الترمذی که عزیزی از برادران دینی و فرزندی از فرزندان طریق که همیشه همت خود را بر کسب سعادت اخروی و علوم دینی مصروف میداشت وقدرتی جز خلوص عقیده باین کمترین نداشت از کمال اخلاص وارادت و وفور اختصاص از اینحقیر التماس نمود که از برای این بنده مستمند نسخه تالیف و ترقیم نمی که بوسیله ان در علم وطاعت و عبادت بیفزاید، واز جمله جهل و عصیان و خطا بپرهیزد و سبب ترغیب شود و در صفحه روزگار برسم یادگار باقی بماند ومزین بایات قرانی و اخبار اخر الزمانی که بر مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات حجت قاطع باشد هر چند این بنده گنه گار خودرا در انمرتبه ندید که باین امر جرأت قیام واقدام نماید و خودرا از مقیدان این طریق شمرد چون حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فرموده که من سئل علما یعلمه فکتمه الجمه الله بلجام من النار یعنی از کسیکه سؤال شود از علمیکه داند وان علم را

بپوشاند پس اورا خدایتعالی لجام کند بلجام آتشین و ستم که در زمرهٔ اینطایفه
باشد اینحدیث خبر میدهد از حالت ایشان و نیز خبر میدهد بحکم اینحدیث اَلعِلمُ
لایَحِلُّ مَنعُهُ یعنی حلال نیست منع کردن علم از مسلمانان پس برخود فرض
عین دانسته واین رسالهٔ شریفه را که موسوم است به تنبیه الغافلین شروع
نموده و ترتیب داده بر یکمقدمه و نه باب و خاتمه و بفارسی نوشته شد تا خواص
و عوام از معنی این رسالهٔ شریفه سود مند شوند تا حقتعالی بر خواننده و نویسنده
و شنونده و رساننده و یادگیرنده و عمل کننده و مؤلف رحمت کند اِنَّهُ وَلِیُّ الاِجابَةِ
والقبول اَمّا مُقدّمہ در طلب علم باب اوّل در بیان
فضیلت علم و علماء و غیره باب دوم در بیان فضیلت نماز و عقاب تارک
ان باب سوم در بیان عذاب مانع الزکوة باب چهارم در بیان عذاب
خمرخواران و قمار بازان و شطرنج بازان باب پنجم در بیان بهشت و دوزخ
باب ششم در بیان بعض چیزهائیکه خداوند عالم امر کرده است باب
هفتم در بیان چیزهائیکه خداوند عالم نهی کرده است بعضی قولی و بعضی
فعلی باب هشتم در بیان عالم و متعلم و غیره باب نهم در بیان اکرام
میهمان و همسایه و ثواب ان و فضل اهل سخا و ذمّ اهل بخل خاتمہ در بیان
معاصی جوارح و دل و عمل خالص و غیر ان اَمّا مقدمہ در طلب علم بدانکه
خدایتعالی بر همهٔ مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات زمرد و زن آزاد و
بنده واجب و لازم گردانیده طلب علم را چنانکه در کلام مجید فرموده فَاسئَلُوا
اَهلَ الذِّکرِ اِن کُنتُم لاتَعلَمُونَ یعنی پرسید و سؤال نمائید از اهل ذکر یعنی علما و بزرگان
دین اگر نمیدانید و نیز عمل موقوفست بعلم زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و اله

فرمود اَلعِلمُ بِلا عَمَلٍ ضَلالٌ یعنی علم بی عمل ضلالت و گمراهی است چنانکه
جناب رسولخدا صلعم فرموده اَلعِلمُ بِلا عَمَلٍ کالقَوسِ بِلا وَتَرٍ یعنی علم بی عمل
چون کمانی بی زه بود دیگر حضرت رسول صلعم فرموده طَلَبُ العِلمِ فَریضَةٌ عَلی کُلِّ
مُسلِمٍ وَ مُسلِمَةٍ یعنی طلب علم واجبست بر هر مرد مسلمان و زن مسلمان **نظم**

گشته فرض علم بر هر مرد و زن	جستن علم بر فرایض باسنن
کادم از علم آمد افزون بر ملک	روز عرض سجده پیش ذوالمنن

دیگر رسولخدا صلعم فرموده اُطلُبُوا العِلمَ وَلَو کانَ بِالصِّینِ یعنی بجوشید و طلب
کنید علم را اگرچه در چین باشد **شعر** طلب کن تو علمی از آموختن
گرت سوی چین هم بباید شدن ـــــ اگر عالمی از ملک بهتری
وگر جاهلی مانده ممتحن دیگر رسولخدا صلی الله علیه و اله فرموده اند
اُطلُبُوا العِلمَ مِنَ المَهدِ اِلَی اللَّحدِ یعنی ز گهواره تا گور دانش بجوی و دیگر
حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرموده اُطلُبُوا العِلمَ وَلَو کانَ بَینَ اَیدِیکُم
نارًا تَحرِقُونَ اَو بَحرًا تَغرِقُونَ یعنی طلب کنید علم را اگرچه باشد پیش شما
آتش سوزان یا دریائی غرق کننده باز نمانید و بطلب علم مشغول باشید که
بی علم خدا را پرستیدن ضلالت است و راه بحق نتوان بردن مگر بعلم **بیت**

بیاموز علم و ادب ای پسر	که بی علم کس را بحق راه نیست
کسی ننگ دارد ز آموختن	که از ننگ نادانی آگاه نیست

دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود اُطلُبُوا العِلمَ فَاِنَّ الطّالِبِینَ
فِی الدُّنیا کَثِیرٌ یعنی طلب کنید علم را و بجوشید دانش را که جویندگان در دنیا
بسیارند و در نجوای حضرت موسی علی نبینا و اله و علیه السلام آورده اند که

خدا تعالی خطاب کرد که ای موسی بگیر نعلینی از آهن و عصائی از آهن و طلب کن علم را و بجو انتراچند آنکه نعلین بدرد و عصا بشکند و بدرستی که هر علم که بی عمل بود هباءً منثوراً خواهد بود پس علم دلیل عمل بود و هرچه بی دلیل و حجت باشد هیچ شک نیست که در بیابان ضلالت و سرگردانی بماند بیدلیل راه رفتن خطائیست بزرگ **شعر** بر خلق جهان علم بیا هست ساه

بی علم کنی کارگاه است گاه تا باد جهان ز علم بادا روشن بی علم همه کار سیاه است سیاه

دیگر حضرت رسولﷺ فرموده که مَثَلُ الَّذِیْ یَعْمَلُ بِغَیْرِ عِلْمٍ کَمَثَلِ الْحِمَارِ فِی الطَّاحُوْنَةِ یَدُوْرُ فِیْ مَکَانِهِ لَا یَسْتَطِیْعُ اَنْ یُجَاوِزَ عَنْ مَکَانِهِ یعنی مثل کسی که عمل کند بیعلم مثل خری بود که برگرد سنگ آسیائی بگردد و نتواند که از جای خود تجاوز کند و همیشه سرگردان باشد و انزمان مردمان در جهالت مانده و کمتر بطلب علم رجوع میکنند و سبب سیاهی و مردگی دل ایشان در انست و نمیدانند که حیوة و سفیدی دل بعلم است زیرا که حضرت رسولﷺ فرموده اَلْعِلْمُ صَیْقَلُ الْقَلْبِ یعنی علم صیقل دهندهٔ دل است

دیگر حضرت رسولﷺ فرموده اَلْقَلْبُ مَیِّتٌ وَحَیٰوتُهُ بِالْعِلْمِ وَالْعِلْمُ مَیِّتٌ وَحَیٰوتُهُ بِالطَّلَبِ یعنی دل مرده ایست و زندگی او بعلم است و علم مرده ایست و زندگی او بطلب حاصل میشود **نظم** دل جاهلانرا تو مرده شناس

نباشد دل جاهلان حق شناس دلت را بعلم و ادب زنده کن

وگرنه تو باشی خر ناشناس تمت المقدمة والله المستعان و علیه التکلان

از خدا جوئیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب

باب اول در بیان فضیلت علم و علماء و غیره و این باب مبنی است بر سه فصل

فصل اول در بیان علم در روایت صحیح آمده است که صحابه از حضرت
رسول صلعم پرسیدند یا رسول الله کدام عمل افضل است فرمود علم آموختن باز
سؤال کردند باز فرمود علم صحابه عرض کردند ما از عمل سؤال میکنیم جناب رسول خدا
فرمودند که اِنَّ قَلِیْلَ الْعَمَلِ مَعَ الْعِلْمِ کَثِیْرٌ وَکَثِیْرَ الْعَمَلِ مَعَ الْجَهْلِ قَلِیْلٌ یعنی
اندکی عمل با علم بسیار بود و بسیاری عمل با جهل اندک بود پس عمل که با علم
نباشد هیچ قرب و منزلتی نزد خدا تعالی ندارد نظم گر عمل با علم باشد اندکی
هست بسیار و قبول بیشکی ور بود با جهل بسیاری عمل کم بود یابد قبول از یکی
دیگر جناب رسول خدا صلعم فرموده اند تَعَلُّمُ سَاعَةٍ خَیْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ قَائِمٌ
بِاللَّیْلِ وَصَائِمٌ بِالنَّهَارِ یعنی یکساعت مشغول بودن بطلب علم بهتر است از
عبادت یکسال که شبها بنماز بوده مشغول و روزها بروزه دیگر جناب پیغمبر صلعم فرموده
اَلْعِلْمُ ثَمَرَةُ الْاِیْمَانِ وَسِرَاجُ الْاِسْلَامِ یعنی علم میوهٔ ایمانست و چراغ اسلام
هر که را علم نباشد یقین بدان که او را از ایمان بهره نیست و دیگر حضرت
رسول صلعم فرموده که خَیْرُ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ
یعنی نیکی دنیا و آخرت با علم است و شر دنیا و آخرت با جهل است و دیگر حضرت
رسول صلعم فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که هر که یك مسئله از علم بیاموزد
خدای تعالی هزار قلاده از نور در گردن او اندازد و در قیامت هزار گناه او را
بیامرزد و در بهشت از برای او شهری بنا کند از زر سرخ و بنویسد خدا تعالی در
دیوان اعمال او بعدد هر تار موئی که در بدن داشته باشد ثواب یك حج و عمره و
نیز چنین گفته اند که علم حیات دل و مصباح بصر بود و دیگر حضرت رسول صلعم فرموده
که اَلْعِلْمُ وَدِیْعَةُ اللهِ فِی الْاَرْضِ وَالْعُلَمَاءُ اُمَنَائُهٗ یعنی علم امانت خدا تعالی است در زمین

وعلماء امینان او بند و دیگر در روایت صحیح آمده که اختلاف درمیان اهل
شام وبصره در فضیلت علم و مال افتاد اهل شام گفتند مال افضل است
اهل بصره گفتند علم افضل است هر دو طایفه بخدمت مولای متقیان آمده
عرضکردند یا ولی الله مسئلهٔ ما را بحق جواب فرمایید آنحضرت فرمودند یا
اهل الشام علم هشت درجه از مال بالاتر است اول آنکه علم میراث پیغمبر است و
مال میراث کسری و فرعون و قیصر و شداد دویم علم زیاد شود با نفاق و مال
کم شود بخرج سوم آنکه علم صاحب خود را نگهدارد و مال را صاحبش نگهدارد
چهارم آنکه عالم چون بمیرد علم از وی جدا نشود و در قبر و عرصات قیامت یار
او نماید و مال را نزدیک مرگ وارثان بربایند و قسمت نمایند پنجم خلق عالم چهار
گروهند اول امراء دویم اغنیاء سیم علماء چهارم فقراء پس سه طایفه ایشان
محتاجند بعلماء و علما را با ایشان احتیاجی نیست ششم آنکه علم را خدا ندهد
مگر بخاصان و برگزیدگان خود و مال را دهد مگر بکافران و ظالمان هفتم
آنکه علم صاحب خود را از صراط بگذراند چون برق درخشان و مال صاحب خود
را در صراط بدارد تا خدا تعالی چه حکم کند هشتم آنکه ای اهل شام هیچ کس بجمع
کردن علم دعوی خدائی نکرد و فرعون بجمع کردن مال دعوی خدائی کرد نظم

علم مثل جوهر است ای با بصر	بشنو از من گر تو هستی با خبر
هست فاضلتر ز ملک و مال و جاه	علم نزد انبیاء با هنر

ابن عباس گوید پیغمبر ص فرمود از جبرئیل پرسیدم کدام چیز فاضلتر است
گفت علم آموختن گفتم دیگر چه گفت پنج وقت نماز بجا آوردن گفتم پس از آن
گفت نگریستن بروی عالمان و دانایان که با ایشان نشستن عبادت است جناب رسول خدا

حدیثی فرموده که بفارسی اینست که یکساعت نزد عالم نشستن که دران
ساعت بیان علم کند بهتر و نیکوتر است از هزار رکعت نماز تطوع و از صد
هزار تسبیح و از هزار اسب که برای غزای کافران (یعنی جهاد کنندگان) بسته باشد و دیگر سجدهٔ فرشتگان
آدم را بسبب علم و فهم آدم بود دیگر حقتعالی بیاموخت سلیمان را مسئلهٔ و منت
نهاد بر او و گفت فَفَهَّمْنَاهَا سُلَیْمَانَ و ملک و پادشاهی داد و گفت هٰذَا
عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ و دیگر فضیلت علم آنستکه آنهمه محبت که خدایتعالی را
با حضرت محمد صلعم بود و با پیغمبران دیگر نبود چون خواست که محبت او با ایشان زیاده
شود فضیلت و برای اظهار نبوت او با ایشان کتاب فرستاد و مراد از آن کتاب علم و
دانش است پس معلوم شد که چیزی فاضلتر از علم نیست نزد خدایتعالی
و انبیاء و اوصیاء و اولیاء - شعر - علم و دانش پیش جمله انبیاء
هست افضل پیش جمله اولیا
از همه اشیاء یزدان آفرید
در زمین و کوه و دریا و سما

فصل دوم در بیان

علماء و غیره خدایتعالی میفرماید یَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْکُمْ وَالَّذِیْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ
دَرَجٰتٍ یعنی کسانیکه ایمان آوردند و دانش جستند از شما ها مرتبهٔ آنها بلند خواهد
بود نزد خدایتعالی و در جای دیگر میفرماید اِنَّمَا یَخْشَی اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَآءُ یعنی بندگانی
که عالمند از خدایتعالی میترسند و فرمانبرداری او را بجا میاورند دیگر حضرت
رسول صلعم فرموده عَظِّمُوا الْعُلَمَآءَ فَاِنَّکُمْ تَحْتَاجُوْنَ اِلَیْهِمْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ
یعنی بزرگ و گرامی دارید علماء را بدرستی که شما را بعلم ایشان احتیاج است
در دنیا و آخرت دیگر حضرت رسول صلعم فرموده مَنْ اَحَبَّ اَنْ یَّنْظُرَ اِلٰی عُتَقَآءِ
اللّٰهِ مِنَ النَّارِ فَلْیَنْظُرْ اِلَی الْعُلَمَآءِ وَالْمُتَعَلِّمِیْنَ یعنی هر که دوست

دارد نظر کند بسوی ازادگان خدا از اتش پس نظر کند بسوی عالمان و متعلمان دیگر
حضرت رسول صلعم فرموده من خدم عالما سبعة ایام و قیل سبع سنوات اعطاه
الله بکل یوم ثواب الف شهید یعنی هر که خدمت کند عالمی را هفت روز و بعضی
گفته اند هفت سال بدهد خدا یتعالی هر روزی ثواب هزار شهید دیگر جناب
رسولخدا صلعم فرمود من اکرم عالما او متعلما فکانما اکرم سبعین نبیا یعنی هر که
گرامی دارد عالمی یا متعلمی را چنان باشد که هفتاد پیغمبر را گرامی داشته است
دیگر رسولخدا صلعم فرموده که فضل العالم علی العابد کفضل القمر لیلة البدر علی
سایر الکواکب یعنی که فضل عالم بر عابد چون ماه شب چهارده بود بر ستارگان
دیگر و نیز رسولخدا فرموده که بین العالم و العابد مائة درجة بین کل درجتین
مسیر الفرس الجواد المضمر سبعین سنة یعنی میان عالم و عابد صد درجه است
میان هر درجه با دیگری چندان مسافت بود که اسب تیزرو هفتاد سال برود
واین قدر فضل بود عالم را بر عابد شعر

بشکست عهد صحبت اهل طریق را
صاحبدلی بمدرسه امد زخانقاه
تا اختیار کردی ازان این فریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
وین جهد میکند که بگیرد غریق را
گفت ان گلیم خویش بدر میبرد زموج

دیگر حضرت رسول صلی الله علیه
واله فرموده اند فضل العالم علی العابد کفضلی علی امتی یعنی فضل عالم بر عابد
چون فضل منست بر امت من دیگر فرموده سئلت جبرئیل ای جهاد افضل
لامتی قال طلب العلم قلت بعد ذلک قال زیارة العلماء یعنی سؤال کردم
از جبرئیل کدام جهاد فاضلتر است بر امت من گفت طلب علم کردن گفتم دیگر
چه گفت زیارت کردن علماء دیگر حضرت رسول صلعم فرموده العالم الواحد اکرم عند الله

من الف شهید دیگر حضرت رسول خدا صلعم فرموده سألت جبرئیل وقلت
العلماء افضل عند الله او الشهداء قال العالم الواحد اکرم عند الله من عشرة
الف فان اقتداء الشهداء علی العلماء یعنی سؤال کردم از جبرئیل گفتم علما بزرگ
ترند نزد خدا تعالی یا شهداء گفت علماء بزرگترند از ده هزار شهید بدرستی که
اقتدای شهداء بر علماء است دیگر حضرت رسول صلعم فرموده حدیثی که ما حصل
مضمون ان بفارسی اینست که طلب کننده علم پیش خدا تعالی افضل است از مجاهدان
وحاجیان ومعتمران ومعتکفان ومجاوران وامرزش خواهند از برای او درختان
ودریاها وابرها وبادها وستارها وهرچیزیکه افتاب براو بتابد دیگر حضرت
رسول صلعم فرمودند حدیثیکه معنی ان بفارسی اینست که هرکه اندوهگین نشود بمرگ
علماء بدرستیکه او منافق باشد در دنیا واخرت زیراکه هیچ مصیبتی بزرگتر از مرگ علما
نیست که چون عالمی وفات کند اسمانها وساکنان انها هفتاد روز براو بگریند و
زاری نمایند وهرکه اندوهگین شود بمرگ علما بنویسد حقتعالی در دیوان اعمال او
ثواب هزار شهید دیگر فرموده من حقر طالب العلم فقد حقرنی ومن حقرنی فله النار یعنی
هرکه خوار دارد طالب علم را بدرستیکه مرا خوار داشته است وهرکه مرا خوار دارد
جای او در اتش است ودیگر فرموده من حقر طالب العلم فهو منافق ملعون
فی الدنیا والاخرة یعنی هرکه خوار دارد علما وطالب علم را بدرستیکه منافق وملعون
است در دنیا واخرت   ای بود وجود تو زیکقطره منی   هانا نکنی بعالمان کبر ومنی
زیراکه چنین گفته رسول مدنی   من اکرم عالما فقد اکرمنی   دیگر رسول
خدا فرموده علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل یعنی علماء امت من چون
پیغمبران بنی اسرائیلند دیگر حضرت رسول صلعم فرموده ان لطالب العلم شفاعة کشفاعة

الانبیاء یعنی طالب علم را فردای قیامت شفاعت باشد چون شفاعت پیغمبران دیگر حضرت رسول صلعم فرموده مَن مَاتَ فِی تَعَلُّمِهٖ قَبلَ بُلُوغِ مَقصَدِهٖ خَلَقَ اللہُ لَهُ مَلَکًا فِی قَبرِهٖ یُعَلِّمُهُ اِلٰی یَومِ القِیَامَةِ یعنی هر عالمی که بمیرد و در طلب علم باشد پیش از آنکه بمقصدش برسد خدا تعالی بیافریند در قبر او فرشته تا او را تعلیم نماید تا روز قیامت تا مقصود حاصل شود دیگر رسول خدا صلعم فرموده مَن اَذَلَّ عَالِمًا بِغَیرِ حَقٍّ اَذَلَّهُ اللہُ تَعَالٰی یَومَ القِیَامَةِ عَلٰی رُؤُسِ الاَوَّلِینَ وَالاٰخِرِینَ یعنی هر که برنجاند عالمی را بی جرم و خوار و ذلیل دارد او را حق سبحانه و تعالی بر حشر گاه اوّلین و آخرین چنانکه اهل عرصات بدانند که گناه او از همه بیشتر است ونیز جناب رسول خدا صلعم فرموده اَلنَّاسُ اِثنَانِ عَالِمٌ وَمُتَعَلِّمٌ وَالبَاقِی کَالهَمَجِ لَاخَیرَ فِیهِم یعنی مردمان دو گروهند یکی عالم و دیگری متعلم یعنی آموزنده و دیگران خرمگسند که خیری در ایشان نباشد **نظم**

آنکه او را آدمی گفته رسول	در میان خلق قول او قبول
عالم است و طالب علم و دگر	مردمان چون خرمگس باشد جهول

دیگر حضرت رسول صلعم فرموده مِدَادُ العُلَمَاءِ اَفضَلُ مِن دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ یعنی مداد علما که بآن احکام قرآن و احادیث بنویسند بهتر و نیکوتر است از خون شهیدان دیگر حضرت رسول صلعم فرموده مَن حَفِظَ مِن اُمَّتِی اَربَعِینَ حَدِیثًا حَشَرَهُ اللہُ یَومَ القِیٰمَةِ فَقِیهًا یعنی هر که از امت من یاد گیرد و حفظ کند چهل حدیث محشور سازد خدا او را در روز قیامت فقیه یعنی نام او را در جریدۂ فقهاء و علماء بنویسد دیگر حضرت رسول صلعم فرموده عَلَیکُم بِعَمَلِ الرِّجَالِ قِیلَ وَمَا ذٰلِکَ یَا رَسُولَ اللہِ قَالَ تَعَلُّمُ العِلمِ وَصُحبَةُ العُلَمَاءِ یعنی بر شما باد عمل مردان عرض کردند یا رسول الله چیست

در بیان فضیلت علم

عمل مردان فرمود با عالم نشستن و علم آموختن دیگر حضرت رسول علیه السلام فرمود
اَلْعَالِمُ کَالذَّهَبِ وَالْمُتَعَلِّمُ کَالْفِضَّةِ وَمَا دُونَهُمَا کَالرَّصَاصِ یعنی عالم
چون زر است و متعلم چون نقره و باقی چون ارزیز دیگر حضرت رسول علیه السلام
فرمود اَشْرَفُ اُمَّتِی حَمَلَةُ الْقُرْاٰنِ یعنی بزرگترین امت من خوانندگان قرآن اند
و نیز حضرت رسول علیه السلام فرمود اَخْیَارُکُمْ وَاَبْرَارُکُمْ وَاَفْضَلُکُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْاٰنَ وَ
عَلَّمَهُ یعنی برگزیده ترین شما آنکس باشد که قرآن را یاد گرفته و بدیگران
بیاموزد دیگر فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که چون کسی بنشیند
نزد عالمی برای آموختن علم بگشاید خدا تعالی بروی او هفتاد دراز در های رحمت
خود و چون از آنجا برخیزد آمرزیده و رستگار شود چنانکه از مادر متولد شده و
بدهد خدا تعالی باو بهر حرفی ثواب عبادت یکساله و بنا کند برای او هزار شهر
در بهشت که هر شهری بزرگی ده مقابل دنیا باشد پس واجب و لازم است بر همه
مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات که در تحصیل علم بکوشند تا این
دولت ثواب را دریابند و از خجالت خلاص شوند شعر

زمادر نزاید کسی با هنر	بیاموز علم و ادب ای پسر
که دانا چو شاه است و نادان خر	بتحصیل دانش تو کوشش نما

در روایت صحیح آمده که شخصی از در درآمد و سلام کرد و گفت یا رسول الله چه اجر
داشته باشد نزد حقتعالی کسی که فرزند خود را قرآن بیاموزد آنجناب فرمودند
قرآن کلام پاک حقتعالی است و ثواب آنرا بجز خدای تعالی کسی نمیداند بیان کنند
آنحضرت دران سخن بود که ناگاه جبرئیل از جانب رب جلیل در رسید و گفت
ای محمد حقتعالی تورا سلام میرساند و میفرماید هر که فرزند خود را قرآن

بیاموزد چنان باشد که ده مرتبه حج کرده و هزار بنده از فرزندان اسمعیل آزاد
کرده باشد و ده هزار مسکین را طعام داده باشد و هزار برهنه را پوشانیده
باشد و بنویسد بهر حرفی در دیوان اعمال او ده حسنه و محو کند ده سیئه و در قبر
با او باشد و گران گرداند میزان او را و بگذراند او را از صراط چون برق و هرگز از
وی جدا نمیشود و چنانکه ده هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بار بجنگ کافران رفته
باشد و بدهد خدا تعالی بوی هزار کرامت و بزرگی و نیکوئی از آرزوهای او ربا

جان مؤمن شادمان از خواندن قرآن بود	خواندن قرآن بظاهر جان را جانان بود
هرکه با فرزند خود از بهر قرآن رنج برد	رفتنش روز جزا اندر بهشت آسان بود
شرع چون سبزیست قرآن قطرهٔ باران بدان	قوت هر سبزه از قطرهٔ باران بود
هرکه باشد روز و شب با خواندن قرآن قرین	تا قرینش مصطفی با جملهٔ یاران بود
عزت از قرآن بود تا زنده باشی در جهان	چون بمیری مونست در قبر هم قرآن بود

و دیگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی فرموده که معنی آن بفارسی این
است که در هر شهر یا قریهٔ عالمی یا متعلمی در آید از طعام ایشان نخورد و آب ایشان را
نیاشامد از یکطرف وارد شود و از جانب دیگر بیرون رود حقتعالی بردارد عذاب را از
اهل گورستان ایشان تا چهل سال پس اسباب فضیلت نزد انبیاء و اولیا و اوصیا
علم و تقوی و ادب است و مال بسیار را قرب و منزلتی نیست (شعر)

جوان پرهنر بینی برو بر سال او مشمر	که ده ساله هنرور به ز پنجه ساله گاو و خر
ترا از علم میپرسم تو پیری نزد من آری	اگر پیری هنر بودی بدی ابلیس پیغمبر

فصل سیم در احوال قاضیان و عالمان بی عمل و منجمان جاهل

بدانکه قاضیان و عالمان سه گروهند یکطایفه اهل بهشت و دو طایفه اهل دوزخ

بحکم این حدیث که پیغمبر صلی الله علیه و اله فرموده القضاة ثلثة قاضیان فی النار
وقاض فی الجنة یعنی قاضیان سه گروه هند دو گروه از ایشان در دوزخ باشند
و یک گروه در بهشت ان دو گروه که در دوزخ باشند یکی انستکه ایشانرا علم نباشد
و از روی جهل و نادانی جواب مسائل شرعیه گویند و بغیر ما انزل الله حکم کنند دوم
علمائی باشند با علم ولی عمل و رشوه حکم کنند و ایشان از جملهٔ فاسقان باشند چنانکه
خدا تعالی میفرماید من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون یعنی هر که حکم
نکند بانچه خدا تعالی فرستاده است پس او از طایفه ظالمان باشد دیگر رسول
خدا صلعم فرموده العلم بلا عمل وبال یعنی علم بیعمل وبال و هرزه کاریست دیگر حضرت
رسول صلعم فرموده ویل للعالم یتکلم بهوی الناس لا یکون احد اشد منه عذابا یوم
القیمة یعنی ویل مر عالمی راست که سخن گوید بهوای مردمان که در روز قیامت هیچ
کسرا عذاب از وی سخت تر و دردناکتر نباشد و دیگر حقتعالی میفرماید اتأمرون
الناس بالبر وتنسون انفسکم وانتم تتلون الکتاب یعنی ایا امر میکنید مردمان
را به نیکوئی و فراموش میکنید خود تانرا و شما علماء و خوانندگان قرانید
و دیگر حضرت رسول صلعم فرموده العالم بلا عمل کالشجر بلا ثمر فالنار اولی
به یعنی عالم بیعمل چون درخت بی بر است اندر مثل که باتش سوزان سزاوار
تر است و هر درختی که میوه اش نباشد بغیر از اتش او را جائی نباشد شعر

عالمی را کو عمل همراه نیست	جان او از علم او اگاه نیست
چون درخت بی بر است اندر مثل	جز باتش کش پناه راه نیست

بتحقیق باید دانست که علم بیعمل دیوانگی است که تو را امروز مطیع نگرداند و
از معاصی باز ندارد و فردا از اتش دوزخ نیز باز ندارد شعر

علمی که تو را بحق رساند بطلب · علمی که تو را بطاعت آرد بطلب

دیگر حضرت رسول صلعم فرموده اَلْعُلَمَاءُ اُمَنَاءُ الرَّسُوْلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا فَاِذَا
دَخَلُوا فِي الدُّنْيَا فَاحْذَرُوْهُمْ عَلٰى دِيْنِكُمْ یعنی علماء امینان پیغمبر اند تا زمانیکه
گرویدهٔ دنیا نگردند و چون گرویدهٔ دنیا شوند پس پرهیز کنید از ایشان تا در دین
شما نقصان نشود و دیگر خدا تعالی در حق منجمان فرموده قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ الْغَيْبَ اِلَّا اللّٰهُ یعنی بگو ای محمد که نمیدانند آنچه در آسمان و زمین هستند غیب را
مگر خدا تعالی و نیز حضرت رسول صلعم فرموده اَلْمُنَجِّمُ عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ النَّاسِ مَتْهَمٌ
وَلَهُ فِي الْقَبْرِ نَدَامَةٌ شَدِيْدَةٌ وَعَذَابٌ اَلِيْمٌ یعنی منجم نزد خدا تعالی عاصی و نزد آدمیان
متهم و در قبر پشیمانی سخت و عذاب دردناک خواهد کشید دیگر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده مَنْ اَتٰى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُوْلُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ
عَلٰى مُحَمَّدٍ یعنی هر کس پیش رمال یا منجم رود و قول ایشانرا تصدیق کند در آنچه گویند
و از غیب خبر دهند بدرستی که کافر میشود بآنچه خدا تعالی فرستاده است بر محمد صلعم
و دیگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که اَلْمُنَجِّمُ كَالْكَاهِنِ وَالْكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ
وَالسَّاحِرُ كَالْكَافِرِ وَالْكَافِرُ فِي النَّارِ یعنی منجم چون فالگو و رمال است و فالگو چون
جادوگر بود و جادوگر چون کافر بود و کافر در آتش دوزخ است **نظم**

منجم یکی گمرهی دان تمام · بقول خدا و رسول انام · مکن قول او را تو از جان قبول · که کافر شوی ای فلان والسلام

باب دوم در بیان فضیلت نماز و عقاب تارک آن

و آن مبنی بر سه فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت نماز در خبر
آمده است از ائمه علیهم السلام که یک نماز فریضه نزد خدای تعالی بمنزلهٔ بیست
حج است و یک حج فاضلتر است از خانهٔ که پر از طلا باشد و صاحبش آنرا در فی سبیل الله صدقه

دهد که تمام شود و هم چنین در خبر آمده است از اهل بیت علیهم السلام که هیچ چیز
وسیلهٔ بنده نزدیک خدای تعالی نباشد مگر بنماز بعد از معرفت خدای تعالی
و نیز حضرت رسول صلعم فرموده که معنی آنحدیث بفارسی اینست که چون بنده رو بقبله
آورد از برای نماز با خلاص تمام و نیت کند و اَللّٰهُ اَکْبَرُ گوید بیرون آید از گناه مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و بگوید اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ بهر
تار موئی که در بدن او باشد خدای تعالی ثواب عبادت یکسال در دیوان اعمال
او بنویسد و چون فاتحه و سوره بخواند چنان باشد که یک حج و عمره بجا آورده باشد
و چون رکوع کند و تسبیح بگوید چنان باشد که بوزن خود زر سرخ صدقه داده
باشد و تمام کتابهای خدا را خوانده باشد و چون سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گوید خدای
تعالی بنظر رحمت در روی او نگاه کند و چون سجده کند و تسبیح گوید خدای تع
بدهد او را بعدد فرشتگان حسنه و چنان باشد که بنده آزاد کرده باشد و چون
تشهد بخواند بدهد حقتعالی ورا ثواب صابران و چون سلام بدهد خدای
تعالی بگشاید درهای بهشت را بر روی وی پس در آید در بهشت از هر دری که خواهد
بی حساب و نیز حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اَفْضَلُ الْاَعْمَالِ بَعْدَ
الْاِیْمَانِ اَلصَّلٰوةُ یعنی فاضلترین اعمال بعد از ایمان نماز است دیگر رسول خدا
فرموده اَلصَّلٰوةُ کَفَّارَةُ الْخَطَایَا یعنی نماز کفارهٔ گناهان باشد و نیز آنجناب فرموده
اِذَا قَامَ الْعَبْدُ اِلَی الصَّلٰوةِ الْمَکْتُوْبَةِ مُقْبِلًا عَلَی اللّٰهِ بِقَلْبِهِ وَسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ
اِنْصَرَفَ کَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ یعنی چون بنده برخیزد برای نماز فریضه و پیش
خدای تعالی بایستد با دل پاک و اخلاص عمل چون از نماز باز گردد و فارغ شود
بدرستی که بیرون آید از گناه چون طفلیکه از مادر متولد شده باشد دیگر

حضرت رسول فرموده اَلصَّلٰوةُ مِعْرَاجُ اُمَّتِیْ یعنی نماز معراج امت من است و نیز
انحضرتؐ میفرماید حدیثی که معنی ان بفارسی اینستکه چون بنده تکبیر بگوید تمامی
گناهانش ریخته شود دیگر حضرت رسولؐ فرموده اِنَّ لِلّٰهِ مَلَکًا مُنَادِیْ یُنَادِیْ
فِیْ وَقْتِ الصَّلٰوةِ اَیُّهَا النَّاسُ قُوْمُوْا اِلٰی اِطْفَاءِ نِیْرَانِکُمْ یعنی بدرستی که خدای
تعالی را فرشته ایست که ندا میکند در وقت هر نمازی که ای مردمان
برخیزید بجا اورید نشاننده وکشنده اتش دوزخ را یعنی نماز را دیگر حضرت
رسولؐ فرموده اَلصَّلٰوةُ فِیْ اَوَّلِ وَقْتِهَا رِضْوَانٌ وَفِیْ اٰخِرِهَا غُفْرَانٌ یعنی نماز
در اول وقت گذاردن خوشنودی خدا تعالی باشد ودر اخر وقت امرزش
خداوند دیگر حضرت رسولؐ فرموده حدیثی که معنی ان بفارسی چنین استکه
هرکه چهل بامداد نماز را با جماعت گذارد اگر عالم دشمن او شوند بروی ظفر
نیابند وهرکه چهل بار در مسجد را اول باز کند ثواب پیغمبر وچهل هزار فرشته را
دریابد وهرگاه که پیش ازان کرده باشد خدا تعالی بیامرزد وهمه حاجات اورا بر
اورد ونیز حضرت رسولؐ فرموده حدیثی که معنی ان بفارسی اینستکه پنج وقت
نماز مثل جوابیستکه در خانه هریک ازشماها برود ودر هر روز پنج بار غسل کند دیگر
چرکی در بدن او نماند بدرستیکه پنج نماز پاک گرداند اورا ازگناه واین در وقتی است
که نماز را با داب تمام بجا اورده وقرائت وركوع وسجود وطمانینه اش صحیح باشد
دیگر حضرت رسولؐ فرموده حدیثی که معنی ان بفارسی اینستکه نماز کننده با خدا سخن
میگوید ومیشنود ونیز حضرت رسولؐ فرموده که نشانه ایمان نماز است قوله تعالی اِنَّ
الْحَسَنٰتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّاٰتِ ذٰلِكَ ذِکْرٰی لِلذَّاکِرِیْنَ یعنی نیکوئیها ببرد بدیها را واین
موعظه وپند است کسانیرا که سعی کنند در نماز ومراد از نیکوئیها نماز است دیگر انحضرتؐ فرموده

قوله تعالی اِنَّ اللّٰهَ لَا یُضِیعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِینَ یعنی بدرستی که خدای تعالی ضایع نکند
ثواب و مزد نماز گذارندگانرا و نیز انحضرت پیغمبر فرماید اَلصَّلٰوةُ نُورٌ وَّمُنَوِّرٌ یعنی نماز نور است
و روشن کننده دلست و نماز انس گرفتن بنده است با حضرت رب العزه و چون یاد
حق بر دل و جان مکرر میشود معرفت بخدا زیاد میشود و عقل و ایمان بر دل و جان او
سخت میگردد و نماز را فضیلت بسیار انوقت بود که با خضوع و خشوع و حضور دل
بگذارد و رکوع و سجود را تمام بجا اورد زیرا که خدای تعالی میفرماید قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ
اَلَّذِینَ هُمْ فِی صَلٰوتِهِمْ خَاشِعُونَ یعنی بدرستیکه رستگاری باشد کسانیرا که نماز گذارند
و ندانند که در راست و چپ انها کیست دیگر حضرت رسول فرموده لَا صَلٰوةَ اِلَّا
بِحُضُورِ الْقَلْبِ یعنی نماز فضیلتی نیست برای مگر با حضور قلب و نیز انحضرت فرموده نسبت بعضی
نماز گذارندگان در معنی ایه شریفه فَوَیْلٌ لِّلْمُصَلِّینَ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلٰوتِهِمْ سَاهُونَ یعنی
وای مر نماز کنندگانرا که ایشانرا دل در نماز نبود و بعضی گفته اند که ویل چاهی است
در قعر دوزخ و در انجاه ماریست که دوزخ بان عقوبت در شبانه روز چند بار بخدا
پناه و زنهار خواهد از گزند ان مار گفتند یا رسول الله ان جا کدام طایفه است
فرمود ان جای کسانیست که نماز بگذارند و با حضور دل نباشند دیگر حضرت رسول
فرمود اَلْمُصَلِّی یُنَاجِی رَبَّهُ یعنی هر که نماز بحضور دل گذارد چنین است که با خدای تعالی
پنهان سخن میگوید و جواب میشنود زیرا که رستگاری یافتند مؤمنان ان کسانیکه در نماز
فروتنی نمایند ابن عباس گوید که خشوع در نماز انقدر میباید که نماز کننده نداند که
درراه وچپ او که ایستاده است دیگر رسول خدا صلی الله علیه واله فرموده قوله
تعالی اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِکْرِی وَلَا تَکُنْ مِنَ الْغَافِلِینَ یعنی بر پای دار نماز را از برای یاد کردن
من و مباش از غافلان و نیز فرموده لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْتُمْ سُکَارٰی حَتّٰی تَعْلَمُوا

ما تقولون یعنی نزدیك نماز نشوید در حالتی که مست باشید تا انکه بدانید که چه
میگوئید وچه میخوانید زیرا که نماز مناجاتست که با خدا میکنید با غفلت دل
چگونه باشد وباید دانست که سبب پراکندگی دل در نماز از غلبهٔ شهوات
مختلفه است که بنیاد هر نقصان ومنبع همهٔ فسادها است هر که دل بدنیا
خرم کرد از لذت مناجاة محروم گشت دیگر حضرت رسول صلعم فرموده حدیثی
که معنی ان بفارسی اینست که تمام کنید رکوع وسجود وخضوع وخشوع را در
نماز بدرستی که من می بینم از پس پشت شما چنانکه می بینم از پیش شما دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه واله وسلم حدیثی فرموده که معنی انحدیث بفارسی این است
که بدترین مردم دزدان باشند ان دزدیکه از نماز چیزی بدزدد یعنی رکوع وسجود
انرا تمام بجا نیاورد ودیگر ابن عباس گفت که دو رکعت نماز با تفکر گذاردن بهتر است
از شبی که تا صبح در نماز باشد فی الجمله باید مصلی هر روز که برآید صفات اندرون
وافعال بیرون او متغیر ومتبدل شود ومناهی وملاهی دل او سرد گردد ونشاط
در عبادت او بیفزاید چنانکه خدای تعالی فرموده إِنَّ الصَّلوٰةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ یعنی بدرستی که باز میدارد نماز مردم را از ناسزا وناپسندیده ونزدیك
کند بخدا

فصل دوم در بیان عذاب تارك الصلوة

قوله تعالی یَتَسَائَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِینَ مَا سَلَكَكُمْ فِی سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ
الْمُصَلِّینَ یعنی سوال کنند مالکان دوزخ از گناهکاران که چه گناه کرده اید
که شما را در دوزخ جای داده اند گویند نبودیم از نماز گذارندگان ودر
جای دیگر فرماید اَضَاعُوا الصَّلوٰةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ
یَلْقَوْنَ غَیًّا یعنی کسانیکه ضایع کردند نماز را ومتابعت نفس وشهوات کردند زود باشد

که ایشان را در غی اندازند و از ابن بابویه رض روایت شده که غی وادیست در جهنم بدان
گرمی و هیبت که اگر حقتعالی بفرماید دوزخ را بگرمی خویش بخورد و دران ماریست که
درازی وی شصت سال راه است و نیمی سال پهنا اواست و از انروز که خدایتعالی
او را افریده است دهانش مهر و بسته است و هرگز دهان نگشاید الا بگوشت بی نماز
و شرابخوار دیگر در روایت صحیح امده است که حضرت رسول ص فرمود روزی برادرم جبرئیل
برای من وحی اورده بود و هنوز وحی را تمام نکرده بود که اوازی سخت با هیبت بر
امد در حال رنگ جبرئیل متغیر شد از وی سؤال کردم ای برادر این چه اوازی بود
گفت یا محمد خدایتعالی در دوزخ هفتم چاهی افریده بود و سنگی سیاه در وی انداخته
اند سیزده سال قبل امروز بته چاه رسید انحضرت فرمود که از جبرئیل پرسیدم که ان
جا کدام طایفه است گفت ان جایگاه بی نمازانست دیگر حضرت رسول ص فرمود که چون
روز قیامت شود بیرون اید از دوزخ کژدمی که سر ان باسمان هفتم بود تا زمین و دهان
او از مشرق تا بمغرب باشد و دم او تا تحت الثری پس گویند او را چه میخواهی گوید
پنج طایفه را میخواهم اول بی نمازان را دوم مانع الزکوة را سوم خمر خواران را چهارم
ربا خواران را پنجم کسانی را که در مسجد حرف دنیا زدند پس حضرت رسول ص فرمود
با مر حقتعالی برچیند ایشانرا از دستگاه عرصات چنانکه کبوتر گندم را برچیند بیت

اندرین خانه گر مسلمانی	چون درآئی بجز نماز مکن
جایگاه تو نیست خانهٔ حق	قصه بر خویشتن دراز مکن

دیگر حضرت رسول ص فرمود حدیثی که مضمونش اینست هرکه نماز را ترک کند و نخواند
خدایتعالی او را بپانزده عقوبت مبتلا گرداند شش در زمان حیوة و سه نزدیک وفات
و سه در قبر و سه در روز قیامت اما ان شش که در حیوة بود اول انکه حیا از روی او برود دوم

برکت از عمر او برود سوم مالش زیان شود چهارم انکه خدا تعالی هیچ خیرات ورا
قبول نکند پنجم دعای او را باجابت نرساند ششم او را از دعا صالحان بی نصیب
کند اما ان سه که نزدیک وفات بود اول سکرات مرک را بروی سخت کرداند دوم کرسنه
وفات کند اکرچه تمام طعامهای دنیا را بحلق او بریزند سیر نشود سوم انکه تشنکی او
کم نشود وبان تشنکی وفات کند واما ان سه چیز که در قبر بود اول انکه قبر بروی تاریک
بود تا روز قیامت دوم انکه سؤال نکیرین بروی دشوار باشد سوم انکه با درد وغم
بود وعذاب قبر با او باشد تا روز قیامت اما انسه که در روز قیامت بوی رسد
اول حساب دادن بروی سخت بود دوم انکه خدا تعالی دشمن او شود سوم انکه
خدا تعالی بروی نظر نکند واو را چهار دست وپا بود چنانکه در عرصات همه خلایق
بدو نکرند وبعد از ان او را بدوزخ برند **شعر** وامش مده انکه بی نماز است

ور خود دهنش ز فاقه باز است	کو قرض خدا نمی گذارد
از قرض تو نیز غم ندارد	ونیز رسول اکرم ﷺ فرموده من تبسم فی

وجه تارک الصلوة فکانما هدم البیت المعمور سبع مرات وقتل الف ملک
من الملائکة المقربین وانبیاء المرسلین یعنی کسیکه بخندد بروی بی نماز چنان
بود که خراب کرده باشد بیت المعمور را هفت مرتبه وچنان بود که هزار فرشته وهزار
پیغمبر از فرشتکان مقرب وپیغمبران مرسل را کشته باشد دیکر حضرت رسول ﷺ فرموده
لا ایمان لمن لا صلوة له یعنی ایمان ندارد کسی که بی نماز وتارک الصلوة باشد
دیکر فرموده من احرق سبعین مصحفا وقتل سبعین نبیا وزنا مع امه سبعین مرة
وافتض سبعین بکرا بطریق الزنا فهو اقرب الی رحمة الله من تارک الصلوة متعمدا
یعنی هر که هفتاد قران بسوزاند وهفتاد پیغمبر را بکشد وهفتاد بار با مادر خود زنا کند

وبکارت هفتاد دختر را بزنا برده باشد نزدیک تراست برحمت خدا از کسی که
نماز را ترک کند دیگر حضرت رسول فرموده لافرق بین تارک الصلوة والمصلین بغیر
علم یعنی فرق نیست میان تارک الصلوة وکسی که نماز را صحیح نمیگذارد ونیز حضرت
رسول فرموده من اعان تارک الصلوة بلقمة او کسوة فکانما قتل سبعین نبیا اولهم
ادم واخرهم محمد یعنی هرکه یاری کند بی‌نماز را بیک لقمه یا بیک پوشاک چنان بود که
هفتاد پیغمبر کشته باشد اول انها ادم واخر انها محمد باشد — شعر

بی نمازی بد تراست صد بار از مردکشی	در شریعت واجب امد کشتن هر بی نماز
بی نماز و بت پرست این هر دو اند دور خند	دم سگ بهتر بود از ریش مرد بی نماز
گر نگذاری نماز و روز و شب را نان دهی	جای تو باشد جهنم گر تو باشی بی نماز

دیگر حضرت رسول فرموده لکل شیء افة وافة الدین ترک الصلوة یعنی هر چیز را افتی است
وافت دین ترک نماز است ونیز انجناب فرموده لکل شیء علامة وعلامة الایمان الصلوة یعنی
هر چیز را نشانه بود ونشانه ایمان نماز است دیگر حضرت رسول فرموده من ترک الصلوة
متعمدا فقد کفر یعنی هرکه نماز را ترک کند بعمد ترک کردن را جایز داند بتحقیق کافر شده دیگر
حضرت رسول فرموده العهد بین المؤمنین الصلوة فمن ترکها فقد کفر یعنی عهد نامه
بین مؤمنین نماز است هرکه ترک کند کافراست مکن قصد ترک نماز ای پسر
که کافر شوی از جهودان بتر دیگر حضرت رسول فرموده من اخر الصلوة عن وقتها
او ترکها حقب علی الصراط ثمانون حقبا کل حقب ثلثمائة وستون یوما کل یوم
کعمر الدنیا من اولها الی اخرها یعنی هرکه نماز را در وقتش نگذارد یا ترک کند باز دارند
او را بر صراط هفتاد حقب هر حقبی سیصد شصت روز بود هر روز آن چون عمر دنیا باشد
دیگر حضرت رسول فرموده من ترک الصلوة عمدا بقی فی النار ثمانین حقبا یعنی هرکه دانسته

نماز را ترک کند هشتاد حقب در دوزخ بماند که شش هزار و چهار صد سال باشد
و دیگر فرموده إِنَّ تَارِكَ الصَّلوٰةِ لَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ بدرستی که بینماز بوی بهشت را
نمیشنود دیگر فرموده اَلصَّلوٰةُ عَمُودُ الدِّينِ مَنْ صَلّٰهَا فَقَدْ أَقَامَ الدِّينَ وَمَنْ تَرَكَهَا
فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ یعنی نماز ستون دین است هر کس نماز گذارد بتحقیق که بپا کرده
است دین را و کسی که ترک کند نماز را بتحقیق که خراب کرده است دین را شعر

دین خود را داشتی قائم بجای	گر تو بر داری نماز خود بپای
خانهٔ دین بی ستون نبود روای	زانکه دین را ستون آمد نماز

یعنی نماز ستون دین بود پس هر که نماز نکند گویا دین را خراب کرده است و نیز
آنجناب فرموده است حدیثی که معنی آن بفارسی اینست هر که نماز بامداد بگذارد
من که محمدم او را مدد میکنم و به بهشت با خود میبرم و هر که نماز ظهر را بگذارد علی مرتضی
او را ببهشت میبرد و هر که نماز عصر را بگذارد فاطمه او را ببهشت برد و هر که نماز شام
را بگذارد حضرت امام حسن او را ببهشت برد و هر که نماز خفتن را بگذارد حضرت
امام حسین او را ببهشت میبرد و خدای تعالی او را بیامرزد دیگر حضرت رسول فرموده
اَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْإِنْسَانُ الصَّلوٰةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ
رُدَّ مَا سِوَاهَا یعنی اول چیزیکه در قیامت حساب آن خواهند نماز است پس اگر قبول
شود سایر اعمال انسان نیز قبول میشود و اگر رد شود سایر اعمال نیز رد شود پس معلوم
شد که هیچ عبادت و عمل خیری بدون نماز در نزد حقتعالی مقبول نیست نظم

اولین پرسش از نماز بود	روز محشر که جان گداز بود
تا در آن روز باشدت توقیر	پس مکن در نماز خود تقصیر

و نیز حضرت رسول فرموده هر که نماز بامداد را ترک کند بیزار شود از او قرآن و هر که نماز

پیشین را ترک کند بیزار شوند از او پیغمبران و هر که نماز پیشین را ترک کند بیزار شود
از او حقتعالی حکایت آورده اند که در روزگار ماضی یکزن وفات کرد جماعتی
رفتند تا آنزن را دفن کنند دیدند ماری بر سینهٔ آنزن خفته و سر در دهان او برده
و زبان آنزن را در دهن گرفته عذاب سخت میکرد رفتند کہ آن مار را بکشند بقدرت
خدای تعالیٰ بزبان آمد گفت بحق آنخدائیکه جان من در قبضهٔ قدرت او است مرا فرموده
است که اینزن را عذاب کنم هم در قبر و هم در دوزخ مردم گفتند چه گناه کرده است گفت
اینهمه عذاب برای ترک کردن یک نماز خفتن است و نیز آورده اند کسی پیش حضرت رسول
آمد و گفت یا رسول الله هر سال یکزمین بکاشتمی و مرا نان بسال تمام بودی امسال
ششماه است که تمام شده است حضرت فرمود که در خانهٔ تو بی نماز هست گفت یا رسول الله
هیچکس نیست که در خانهٔ من بی نماز باشد در حال جبرئیل نازل شد و گفت یا رسول الله
خداوند عالم میفرماید دندان بی نماز در بام خانهٔ او انداخته اند مادامیکه آن دندان
بر بام خانهٔ او است برکت در خانهٔ او نباشد حکایت آورده اند که روزی طرف عصر
سلیمان علیہ السلام در کنار دریا گذر کرد ماهیان دریا نزد سلیمان آمدند و گفتند یا نبی الله
خدای تعالیٰ در دریای ما قحطی انداخته است ما ماهیان دریا هرچند میخوریم سیر
نمیشویم جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله شخصی نماز صبح نکرده بود بر لب دریا گذر
کرد و چهل شبانه روز است که خدای تعالیٰ برکت را از این دریا و ایشان برداشته

(است از شومی آن بی نماز)

(باب سیم در بیان احوال مانع الزکوٰۃ)

قال الله تعالیٰ و لا یحسبن الذین یبخلون بما آتٰهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو
شر لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیٰمة یعنی مپندارند یا محمد آنها برا که بخل

میکنند و زکوة مال را نمیدهند انچه خداوند از فضل خود بدیشان داده ایشان را خیر است و نیکی ایشان در انست بلکه بدی ایشان و عقوبت ایشان در انست و دباشد که میکنم انمال را ماری و در گردن ایشان اندازم در روز قیامت قوله تعالی اَلَّذِیْنَ یَکْنِزُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنْفِقُوْنَهَا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ یَوْمَ یُحْمٰی عَلَیْهَا فِیْ نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوٰی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوْبُهُمْ وَظُهُوْرُهُمْ هٰذَا مَا کَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِکُمْ فَذُوْقُوْا مَا کُنْتُمْ تَکْنِزُوْنَ یعنی چنین است اگر کسانیکه مخفی میکنند زر و نقره را و نفقه نمیکنند در راه خدا تعالی یعنی زکوة انمال را نمیدهند بشارت باد ایشانرا بعذاب دردناک که در روز قیامت گرم گردانند زر و نقره را در آتش دوزخ و داغ کنند بان پیشانی و جبینها ایشانرا و پشتها ایشانرا اینست ان چیزیکه کنز نموده بودید برای خودتان در دار دنیا و زکوة انرا نداده بودید در دنیا ذخیره حضرت رسول صلعم فرموده حدیثی که معنی ان بفارسی اینست که هرکه را خدا تعالی مال بدهد و زکوتش را ندهد در روز قیامت انمال را مثل ماری بزرگ و سیاه و سفید گردانند و در گردن او اندازند چون طوق و ان مار بگزد اطراف دهان او را و بگوید باو من مال و گنج نهانی توام که در دنیا زکوة انرا ندادی دیگر حضرت رسول اکرم صلعم صلی اللّٰه علیه و اله فرموده اَلزَّکٰوةُ قَنْطَرَةُ الْاِسْلَامِ یعنی زکوة پل مسلمانی بود یعنی هرکه زکوة مال ندهد بشهر اسلام نتواند امدن و نیز حضرت رسول صلعم فرموده لَا یَقْبَلُ اللّٰهُ صَلٰوةَ رَجُلٍ لَا یُؤَدِّیْ حَقَّ مَالِهٖ یعنی قبول نمیکند خداوند نماز مردیرا که زکوة مال خود را ندهد و نیز حضرت رسول اکرم صلی اللّٰه علیه و اله و سلم فرموده لَا اِیْمَانَ لِمَنْ لَا صَلٰوةَ لَهٗ وَلَا صَلٰوةَ لِمَنْ لَا زَکٰوةَ لَهٗ یعنی هرکه را نماز نباشد ایمان نباشد و هرکه را زکوة ندهد نماز نباشد دیگر حضرت رسول صلعم فرموده لَا یَنْقُصُ مَالٌ مِنْ زَکٰوةٍ یعنی کم نشود

مال بدادن زکوٰة وخمس بلیت اگر مالداری زکوتش بده یکی گنج در آخرت هم بنه
که هرگز نگردد از آن مال کم بیفزایدت باغ وبستان وده

ونیز حضرت رسولؐ فرموده ما هلک مالٌ فی برٍّ ولا بحرٍ الا بمنع الزکوٰة یعنی تلف
نشود مالی نه در بیابان و نه در دریا مگر بمنع کردن زکوٰة دیگر انجناب فرموده حصنوا
اموالکم بالزکوٰة وداووا مرضاکم بالصدقة یعنی حفظ کنید اموال خود را بدادن
(زکوٰة ودوا کنید بیماران خود را بدادن صدقه)

مال خواهی ای برادر بیشمار	روز کوتش را دا ور در حضا
نه برد دزد و نه تاراجش کنند	در امان باشد بفضل کردگا

ودیگر جناب رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم فرموده در بیان مانع الزکوٰة
وفطره من صام ولم یخرج الفطرة فکانما لم یصم یعنی هر که روزه بگیرد وبیرون
نکند زکوٰة فطره را گویا که روزه نگرفته است دیگر حضرت رسول اکرمؐ فرمودند ان
اتمام الصوم باعطاء الفطرة یعنی بدرستی که روزه شخص کامل نمیشود مگر بدادن فطره

زکوٰة سرت را بده ای عزیز	اگر هست میلت بجبار نیز
که صوم تو مقبول باشد تمام	بقول گزین سید با تمیز

ونیز انجناب فرموده صوم شهر رمضان معلق بین السماء والارض لا یرفع الا بزکوٰة
الفطرة یعنی بتحقیق روزه ماه رمضان آویخته است بین آسمان و زمین و بالا نرود
مگر بدادن زکوٰة فطره کما فی قوله تعالی قد افلح من تزکی ای من اخرج زکوٰة الفطرة
یعنی بتحقیق رستگاری یافت آن کسی که زکوٰة فطره را بیرون کرد وهر که روزه بگیرد
رستگاری نیابد تا بیرون نکند زکوٰة فطره را و بمستحق او نرساند این زکوٰة بدن است

باب چهارم در بیان احوال خمر خواران و اهل نیز وقمار

واین باب مبنی بود بر سه فصل **فصل اول** در بیان احوال شرابخواران

خدا تعالی در کلام مجید میفرماید یا ایها الذین امنوا انما الخمر والمیسر والانصاب

والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون یعنی ای کسانیکه

ایمان اورده اید بدرستیکه شراب و قمار و انصاب و ازلام پلید و حرام است و از عمل

شیطانست بپرهیزید شاید رستگاری بیابید و باید دانست که شرابخواران بعد

از توبه بپرهیز و خطر باشد که هنوز بیم عذاب باشد

ونیز جناب رسول صلعم فرموده شارب الخمر کعابد الوثن یعنی شرابخوار مثل بت پرست

بود و نیز انجناب فرموده ما من رجل یشرب الخمر الا سقاه الله یوم القیمة من الحمیم

یعنی نیست شرابخواری مگر انکه بیاشاماند خدا تعالی اورا در روز قیامت از داب

دوزخ مقدار انچه خورده است از خمر و نیز انجناب فرموده الخمر جماع الاثم وام الخبائث

یعنی خمر اصل همه گناهانست و مادر هر پلیدی است دیگر حضرت رسول صلعم فرموده

لعن الله الخمر وعاصرها ومعتصرها وبایعها ومشتریها وعاملها وحاملها والمحمولة

فیها واکل ثمنها صدق رسول الله صلعم یعنی خدا لعنت کند خمر را و فشارده دهنده از او و فروشنده

از او و خریدار از او و سازنده از او و بردارنده از او و ظرف از او و خورنده بهای از او جمله را خدا

لعنت کرده است و همه انها بلعنت خدا گرفتارند نعوذ بالله من غضب الجبار قال

النبی صلی الله علیه واله من اطعم شارب الخمر بلقمة سلط الله علیه حیات و

عقارب ومن سقاه بشربة اطعمه الله من صدید جهنم یعنی هر که یك لقمه

طعام دهد شرابخوار را مسلط سازد بروی خدا تعالی ماران و کژدمان

و هر که ابی بنوشاند شرابخوار را خدای تعالی از زرداب جهنم بنوشاند اورا

قال النبی صلی الله علیه واله وسلم من سلم علی شارب الخمر او صافحه او

عاتقه احبط الله تعالی عمله سبعین سنة یعنی هر که سلام دهد بر شرابخوار
یا دست بدست او بدهد یا دست بگردن او در آورد نباه کند خدا تعالی عمل
هفتاد ساله او را و نیز حضرت رسول فرموده حدیثی که معنی ان حدیث اینست هر که
در شب خمر خورد نظر نکند خدا تعالی با و تا شب دیگر و هر که مست شود قبول نکند
خدای تعالی نماز او را چهل شبانه روز و اگر در مستی وفات کند چون بت پرستان
مرده باشد قال النبی صلعم من کان یؤمن بالله والیوم الآخر لا یجلس علی مائدة تدور
علیها الخمر یعنی هر کس بخدا و روز پسین ایمان آورده باشد ننشیند بر سر خوانی
که دران خمر باشد دیگر حضرت رسول صلعم فرموده حدیثی که معنی ان اینست
که در دوزخ وادی است بدان گرمی و هیبت هر روز هفتاد هزار بار اهل
دوزخ از گرمی او بفریاد آیند و بنالند و دران وادی خانه ایست از آتش و در آن
خانه تابوتی است از آتش و دران تابوت ماریست از آتش که او را هزار سر باشد
و در هر سری هزار دهان و در هر دهان هزار دندان و قد هر دندان هزار گز و در
بن هر دندان هزار گونه زهر باشد اصحاب عرض کردند یا رسول الله این عذاب
برای کدام طایفه است فرمود از برای خمر خواران دیگر انحضرت فرمودند
حدیثی که مضمونش بفارسی اینست هر که طعام دهد شراب خوار را یک لقمه
مسلط سازد خدا تعالی بر او ماری و کژدمی و هر که او را یاری کند و حاجت او را
بر آورد چنان باشد که یاری بر خرابی اسلام کرده باشد و هر که او را قرض دهد چنان
باشد که یاری کرده است بر قتل مؤمنان و هر که دختر خود را بر خمر خوار دهد او نیز در
گناه شریک است و اگر بیمار شود بعیادت او نروید و قال النبی صلی الله علیه و آله العروس
الشیطان السکران والنائحة یعنی مست شونده و نوحه گر عروس شیطان باشند

شرم و ننک باد انشخص را که با وجود پیرایهٔ عقل مفعول و از زنان دیو میباشند نیز
انجناب فرموده حدیثی که مضمونش اینست که خمر خوار در روز قیامت روسیاه و ازرق
چشم بود و از دهانش خون و ریم روان باشد چنانکه اهل عرصات از گند و بوی او
بفریاد ایند پس جناب رسولخدا صلی الله علیه واله فرمودند سلام بر شرابخواران
ندهید و چون بیمار شوند بعیادت انها نروید و چون بمیرند بجنازهٔ انها نماز مکنید
و خمر خوار چون بت پرست بود و نیز در روایت صحیح امده است که روزی جمعی از صحابه
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کردند یا علی چه اندازه باید از خمر پرهیز کردن
جناب فرمودند ای مؤمنان اگر چنانچه یک قطرهٔ خمر بچاهی افتد وان چاه را پر از
خاک کنند و هزار سال براو بگردد و بعد از ان بر سر انچاه علف روید ان علف را
گوسفندی بخورد و در میان رمهٔ گوسفندی برود من گوشت ان گله را نمیخورم و اگر
یک قطار شتر بود اول ان در مشرق و اخر ان در مغرب باشد و بار پسین شتر ها خمر
بود مهار شتر اول را بدست نگیرم قال النبی صلعم من شرب الخمر فی الدنیا لم تشرب فی الاخرة
من ماء الکوثر الا من مات علی التوبة یعنی هر که بخورد خمر را در دنیا نخورد
در اخرت از اب کوثر مگر توبه کند و با ان توبه وفات یابد **نظم**

مخور خمر کو را پلید امده	بدیها همه زو پدید امده
که هر کس بدنیا خورد خمر شوم	زکوثر بود دستش تهی امده
مگر انکه توبه کند چون نصوح	بدان توبه مرد سعید امده

دیگر حضرت رسول صلعم فرموده که مصادقة الیهود خیر من مصادقة شارب الخمر
(یعنی با یهود دوستی کردن بهتر است از دوستی کردن با شراب خواران)

((فصل دوم در بیان مذمت بنج و اهل ان))

قال النبی صلی اللہ علیہ و آلہ من اکل لقمۃ من البنج کمن زنا بامہ سبعین مرۃ ومن
زنا بامہ مرۃ واحدۃ فکانما ھدم الکعبۃ سبعین مرۃ وقتل سبعین نبیا مرسلا
واحرق سبعین مصحفا ورمی الی وجھہ سبعین حجرا وھو اقرب الی رحمۃ اللہ
من شارب الخمر واکل الربا والنمام وعنہ علیہ السلام من اکل لقمۃ من البنج
حشرہ اللہ تعالی یوم القیمۃ علی صورۃ الکلب والخنزیر یعنی ھر کس یک لقمہ
از بنگ بخورد چنان باشد کہ ھفتاد بار با مادر خود زنا کردہ وھر کہ با مادر خود
یکبار زنا کند چنان باشد کہ خانۂ کعبہ را ھفتاد بار خراب کردہ باشد و ھفتاد
نبی مرسل را بقتل آوردہ باشد و ھفتاد مصحف را سوختہ وچنین شخصی بر حمت
خدا نزدیکتر است از شخصی کہ شراب بخوار و ربا خوار و نمامی کند قال النبی ص من اکل
البنج ومات علی ھذا یحشر یوم القیمۃ مکتوبا بین جبینیہ ھذا ملعون بعید
من رحمۃ اللہ یعنی ھر کہ بنگ بخورد و در انحال بمیرد برانگیزانند او را در قیامت
و نوشتہ شدہ باشد در پیشانی او کہ این شخص ملعون و از رحمت خدا دور است و بعضے
از مفسرین گفتہ اند شجرۂ ملعونہ کہ خدا تعالی در کلام مجید خود یاد کردہ بنگ است
و دیگر انجناب فرمودہ حدیثی کہ مضمونش اینست کہ بپرھیزید از گیاہ خشک کہ از بنج آن است
بدستیکہ حیا را برطرف کند از چشم مردمان و ایمانرا ببرباید در وقت مرگ شعر

بپرھیز از بنگ کو شد حرام حیا را برد بے حشمت تمام ھفتاد دفعہ برابر شود بمادر زنا کردن اے نیکنام

فصل سیم در بیان مذمت قمار و شطرنج و نرد

قال النبی ص من لعب بالنرد والشطرنج فکانما غمس یدہ فی دم الخنزیر یعنی ھر کہ نرد
و شطرنج بازد چنان باشد کہ دست خود را بخون خوک آلودہ کردہ و نیز
انجناب فرمودہ ما الھکم عن ذکر اللہ فھو حرام یعنی ھر چیزیکہ شمارا از ذکر خدا غافل

سازد پس آن حرامست مثل قمار و نرد و شطرنج که اینها افعال حرام است و نیز آنجناب
فرموده لا یدخل الملائکة بیتا فیه خمر او دف او نرد او شطرنج ولا یستجاب دعاء
اهله ورفع الله عنهم البرکة یعنی در نمیایند فرشتگان بخانه که دران خمر یا دف
یا طنبور یا نرد یا شطرنج باشد و مستجاب نشود دعای اهل آن خانه و بردارد خدای
تعالی برکت را از ایشان **شعر** شطرنج و قمار و نرد کار شیطان میدان و بپرهیز
بقول یزدان زیرا که حرامست و پلید است و بداست وز ذکر خدای باز دارد تو بدان

باب پنجم در بیان ذکر صفت بهشت و دوزخ

و اهل آن و این مبنی بود بر دو فصل **فصل اول** در بیان صفت بهشت و
اهل آن چنانکه خدا تعالی در کلام مجید خود فرموده متکئین فیها علی الارائک لا یرون
فیها شمسا ولا زمهریرا یعنی اهل بهشت تکیه کرده باشند بر بالشها نه بینند گرمی آفتاب و
نه سرمای سخت حضرت رسول فرموده که هر که در آید به بهشت دائم زنده باشد و
نمیرد و در نعمتی باشد که هرگز آخر نشود و جامها او کهنه نشود و هرگز پیر نگردد
صحابه عرض کردند یا رسول الله خدا تعالی بنای بهشت را از چه چیز نهاده فرمود یک
خشت آن از زر سرخ و یک خشت آن از نقرهٔ سفید و ملاط او از مشک خوش بوتر
بود و خاک او از زعفران باشد و ریگ آن از لؤلؤ و یاقوت بود و نیز حضرت رسول
فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که اهل بهشت میخورند و میاشامند و ایشان
را بول و غایط و آب دهان و بینی نباشد و عرق از ایشان بیرون میاید خوشبوتر از
مشک و عنبر و نیز حضرت رسول حدیثی فرموده که معنایش اینست که در شب معراج
کوشکی را دیدم از یاقوت سرخ و او را چهار رکن بود از هر رکنی تا رکنی چندان بود که از مشرق
تا بمغرب بیشتر آمد چهار جوی دیدم از آب خوش مزه یکی از عسل مصفی و یکی از شراب

طهور و یکی از شیر در انجا دید درختهای بسیار سر بر فلک کشیده بیخ ان درختها از
زر سرخ و برگها از حلهای بهشت بود در هر برگی نوشته شده لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله قوله تعالی مثل الجنة التی وعد المتقون فیها انهار من
ماء غیر اسن وانهار من لبن لم یتغیر طعمه وانهار من خمر لذة للشاربین وانهار
من عسل مصفی ولهم فیها من کل الثمرات ومغفرة من ربهم یعنی بهشت جای
پرهیزکاران بود که وعده کرده شده بایشان که در انها جویها باشد از اب که متغیر
نشود و جویها باشد از خمر که مزه دهد خورندگانرا و جویها باشد از عسل صاف شده
و برای ایشان باشد هر گونه میوه ها و امرزش از پروردگار خود **بیت**

جنة الفردوس را دان ای پسر	حقتعالی افریده از درر
قصرها از لعل و یاقوت و در	خاک او باشد ز عنبر و از گهر
از برای مؤمنان متقی اراسته	اینچنین امد قول سید خیر البشر

فصل دوم در صفت دوزخ و اهل ان

چنانکه خدا تعالی در کلام مجید میفرماید ان جهنم لموعدهم اجمعین لها
سبعة ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم یعنی بدرستی که دوزخ مقام کافران
است که انها همه در انجا جمع شوند وانرا هفت دراست و از هر دری هفتاد سرا
پرده است از اتش و در هر سرا پرده اش هزار گنبد است از اتش و در هر گنبدی هفتاد
هزار شهر است از اتش و در هر شهری هفتاد هزار حجره است از اتش و در هر حجره
اش صد هزار صندوقست از اتش و در هر صندوقی هفتاد هزار کژدم است از اتش
و هر کژدمی را هفتاد هزار دم است از اتش و هر دمیرا هفتاد هزار بند است و در هر
بندی هفتاد سبو است از اتش همه پر از زهر و در هر دری هفتاد هزار فرشته است

وان فرشتگانرا دوش تا دیگر تا پانصد سال است که حقتعالی بقدرت خود آفریده
که آتش دوزخرا افروزند ودر توریه موسی ع آورده اند که خدایتعالی فرمود یا موسی
دوزخرا هفت طبقه آفریده ام ودر هر طبقه هفتاد هزار وادیست از آتش ودر هر وادی
هفتاد هزار کوشک است از آتش ودر هر کوشکی هفتاد هزار خانه است از آتش ودر
خانه هفتاد هزار تابوتست از آتش پهنائی ودرازی هر تابوت هفت برابر دنیا
است ودر هر تابوت هفتاد هزار مار است وهر ماری در بزرگی مثل کوه طور است
یا موسی همه مشرکان وبخیلان وربا خواران وسخن چینانرا جمع گردانم ودران خانه
درآورم ومسلط گردانم برایشان کژدمان ومارانرا تا بخورند وبگزند ایشانرا تا ابد الآباد
که کتابهای من برحق بوده وواعظان وسخنانشان برحق بوده اند بار دیگر
خدایتعالی خطاب کرد یا موسی میخواهی که صفت دوزخرا برای تو بیان کنم موسی
عرض کرد آری پروردگار من جواب آمد هفت طبقه (دوزخرا) آفریده ام چنانکه اگر هفت
آسمانرا وزمینرا در کوچکترین طبقه او اندازم چنان باشد که انگشتریرا بدریای
محیط انداخته اند بار دیگر ندا کرد یا موسی اگر امر کنم یك شخص از دوزخ بیرون
آید ودر مشرق باشد تمامی اهل مغرب زگرمی آتش او بمیرند وبسوزند یا موسی
حال از هزار یکش را بتو بیان کردم ودر روایت صحیح آمده که حضرت رسول ص فرموده
که در شب معراج جبرئیل دوزخرا بمن عرضکرد آن فرشتگانرا که مالك با نه (دوزخ)
خوانند ایشانرا با هیبت وازرق چشم وهریك گرزها در دست دارند از آتش و
اهل دوزخرا عذاب سخت میکردند قومی را دیدم که دلهای ایشانرا داغ میکردند
وچشمهای نرگسین ایشانرا میکندند وبعضی از زنانرا دیدم که ایشانرا از موی
آویخته بودند وبعضی را زبانها از قفا کشیده بودند وبعضیرا غلهای آتشین

گردن نهاده بودند و در روایت صحیح امده که حضرت رسول صلعم فرمود که روزی از برادرم جبرئیل پرسیدم احوال دوزخ از در جواب گفت یا محمد صلعم بان خدا نیکه ترا براستی بر خلق فرستاده اگر یکذره از اتش دوزخ در زمین افتد زمین و هر چه در او هست می سوزد و اگر از ان اب یکه از برای اهل دوزخ افریده شده یکقطره بر زمین بچکد جمله طعامها و شرابها تلخ شود و اگر از جامه های دوزخیان یکی را از میان اسمان و زمین بیاویزند اهل مشرق و مغرب همه از گند و بوی ان بمیرند نظم

دوزخی پر نار و سوزان افرید	از برای کافر شوم و پلید
هم برای کافران و عاصیان	اندران باشد عذابی بس شدید

باب ششم در بیان بعض چیزهائیکه خدا امر کرده قولی و فعلی

اول معرفت را واجب و لازم گردانیده کما قال تعالی وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون یعنی نیافریدیم جن و انس را مگر برای انکه بشناسند مرا اگرچه کمال معرفت حاصل نمیشود اما اعتبار از اثار و افاق و انفس باید گرفت چنانکه رسول اکرم صلعم فرموده تفکروا فی الاء الله ولا تتفکروا فی ذات الله یعنی فکر کنید در قدرت و بزرگی خدا و فکر نکنید در ذات خدا نظم ای عقل نبرده سوی عرفان تو راه علم همه را بر سر فکرت اگاه هر بنده بانتقام قهر تو ذلیل هر ذره بالتفات ذات اگاه ودیگر تصدیق نمودن بنبوت حضرت خاتم الانبیاء صلعم چنانکه در کلام مجید فرموده ما اتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا یعنی انچه از حضرت رسول بشما رسیده پیروی کنید و انچه نهی فرموده ترک نمائید و اعتقاد بولایت علی و امامت ائمه هدی نمودن و قبول کردن است دیگر با شیطان دشمنی کردن چنانکه در کلام مجید امده ان الشیطان للانسان عدو مبین فاتخذوه عدوا بدرستی که شیطان دشمن شما است پس با وی دشمنی کنید

ودیگر حضرت رسول فرموده برای نماز وضو ساختن چنانکه در کلام مجید آمده یا ایها
الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوٰة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق وامسحوا
برؤسکم وارجلکم الی الکعبین یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید بخدا و رسول چون
برخیزید برای نماز بشوئید روو دستها خودرا از مرفق و مسح کنید سر و پاهای خودرا تا
بکعب ودیگر غسل جنابت که در قرآن مجید آمده ان الصلوٰة کانت علی المؤمنین
کتابا موقوتا بدرستیکه نماز گذاردن واجب است مؤمنان را در وقتها معین که بامداد
و پیشین و عصر و شام وخفتن است و دیگر زکوٰة مال چنانکه در کلام مجید آمده واقیموا
الصلوٰة واتوا الزکوٰة یعنی برپا دارید نماز را وبدهید زکوٰة را ودیگر اگر توانا شد زیارت
بیت الله الحرام را ترک نکنید چنانکه در کلام مجید آمده ولله علی الناس حج البیت
من استطاع الیه سبیلا یعنی خدا واجب کرده است بر مسلمانان زیارت خانهٔ خودرا
که مکه معظمه باشد پس از استطاعت مالی و بدنی دیگر روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان
چنانکه در کلام مجید فرموده یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی
الذین من قبلکم لعلکم تتقون ایاما معدودات یعنی ای مؤمنین نوشته شده است
بر شما روزه چنانکه نوشته شده بود بر کسانیکه پیش از شما بودند شاید پرهیزید
شماها ودیگر جهاد کردنست که در کلام مجید آمده فاقتلوا المشرکین حیث وجدتم
یعنی بکشید مشرکان و کافران را در هرجا که بیابید و در جای دیگر آمده یا ایها النبی
جاهد الکفار والمنافقین یعنی ای پیغمبر جهاد کن با کفار و منافقین و دیگر راستگوی
است چنانکه در کلام مجید آمده فاذا قلتم فاعدلوا یعنی زمانیکه سخن گوئید راست
بگوئید کما قال النبی علیکم بالصدق یعنی بر شما باد راستگوئی و دیگر چشم پوشیدن
از نامحرمانست چنانکه در کلام مجید آمده قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم

وَیَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ یعنی بگوای پیغمبر مؤمنانرا چشم بپوشانید از نامحرمان و حفظ
کنید عورتهای خودرا کما قال النبی زناء العیون النظر الی الحرام یعنی زنای چشم نظر
کردن بنامحرمانست و دیگر گوش و چشم و دلرا سؤال کنند که چرا چیزی را گوش داد بدیگر
رضای خدا دران نبود و چرا اندیشه بد کردی و دیگر حلال خوردنست کما قال الله تعالی
کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ یعنی بخورید از حلال و پاك انچه روزی داده ایم شمارا و نیز
فرموده طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِیْضَةٌ یعنی طلبکردن از حلال واجبست و دیگر توکل بخدا نمودن
است چنانکه فرموده وَتَوَکَّلْ عَلَی الْحَیِّ الَّذِیْ لَا یَمُوْتُ یعنی توکل بذات پروردگار کن که نمی‌میرد
و بروی مرگ روا نیست و کافیست بر همه کارها دین و دنیا دیگر راضی بودنست بقضای
الهی و صبر کردن بحکم اوست چنانکه خدا تعالی فرموده فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ یعنی صبر
کن بحکم پروردگار خود و دیگر شکر نعمت خدا است چنانکه در کلام مجید امده کُلُوا
مِنْ رِزْقِ رَبِّکُمْ وَاشْکُرُوا لَهُ یعنی بخورید روزی خدای خود و شکر نعمت او کنید و دیگر
میفرماید فَاصْبِرْ کَمَا صَبَرَ اُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ قال الله تعالی فی الحدیث القدسی
مَنْ لَمْ یَرْضَ بِقَضَائِیْ وَلَمْ یَشْکُرْ عَلٰی نَعْمَائِیْ وَلَمْ یَصْبِرْ عَلٰی بَلَائِیْ فَلْیَطْلُبْ رَبًّا
سِوَائِیْ یعنی هرکه راضی نباشد بقضای من و صابر نباشد بر بلای من و شاکر
نباشد بر نعمتهای من پس طلب کند پروردگاری غیر از من و بیرون رود از زمین من

شعر

انکه راضی نیست بر حکم و قضا	یا نباشد شکر او اندر رضا
بلکه صبرش نیست هنگام بلا	گو بجو پروردگاری جز خدا

و دیگر توبه کردن است چنانکه در کلام مجید امده تُوْبُوْا اِلَی اللهِ تَوْبَةً نَصُوْحًا
یعنی توبه کنید بسوی خدا و باز گردید از معصیت و فرمان او را بجای اورید

چنانکه باز نسوی گناه مروید مثل توبهٔ نصوح کما قال النبی عم عجلوا بالصلوٰة قبل الفوت وعجلوا بالتوبة قبل الموت یعنی بشتابید بنماز پیش ازانکه فوت شود و بشتابید بسوی توبه پیش ازانکه بمیرید ودیگر کارها را به نیت خیر کردنست چنانکه فرموده اند الاعمال بالنیات یعنی عملها بنیت است **بیت** اصل اعمال نیت نیکو است نیت ارخوبداری آن نیکواست ودیگر طاعات و عبادات باخلاص است چنانچه در کلام مجید آمده وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء لله یعنی مامور نشده اند مگر انکه بپرستند خدا یتعالی را باخلاص تمام قال النبی عم علیکم بالاخلاص فان العبد ینجو بالاخلاص بر شما باد در کارها اخلاص پس بدرستی که بنده با اخلاص رستگاری یابد **شعر** چنین گفت سید رسول امین که اخلاص اندر عملها گزین که بنده باخلاص یابد نجات چو باشد نکو مختصر پاک دین ودیگر امانت بصاحبش رسانیدنست کما قال الله تعالی ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی بدرستیکه حقتعالی فرموده که برسانید امانترا بصاحبانش ودیگر با برادر مؤمن برفق ومدارا زندگانی کردنست چنانکه در کلام مجید آمده انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم یعنی بدرستیکه مؤمنان برادر یکدیگر اند پس صلح کنید میان برادران خود ودیگر طلب کردن علم است چنانکه در اول کتاب یاد کردیم ودیگر کارها بحجت کردنست چنانکه در کلام مجید آمده قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین یعنی بگو یا محمد عم بیاورید حجتهای خودرا اگر راستگو باشید یعنی که باید فردا در روز قیامت سؤال خدا وندرا باحجت وصواب جواب گوئید تا ازجملهٔ راستگویان باشید ودیگر امر بمعروف ونهی از منکر است کما قال الله تعالی وأمر بالمعروف وانه عن المنکر یعنی امر نمائید مردمرا به نیکوئی وعمل صالح وبازدارید

از معاصی دیگر مرگ را آماده شدن و برحق دانستن کما قال الله تعالی قل
یتوفّاکم ملک الموت الذی وکّل بکم یعنی بگو ای پیغمبر اکرم بمردم که میمیراند شما را
ملک الموتی که بر شما موکّل است **شعر** بجای آر فرمان حق ای پسر
اگر خوف داری زنار سقر زمانی تو از حق غافل مشو که ناگه رسولش در آید ز در

باب هفتم در بیان بعضی از چیزهائیکه خدا نهی کرده در قول و فعل

و این باب مبنی بر دو فصل است **فصل اول** در شرک آوردن بخدای
تعالی چنانکه فرموده و من یشرک بالله فقد حرّم الله علیه الجنّة یعنی هر که شریک
قرار دهد بخدا بدرستی که حرام کرده است خدا تعالی بر وی بهشت را و دیگر بپرهیزید
از مرتد شدن قال الله تعالی و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر یعنی
هر کس از شما ها مرتد شود از دین خود برگردد چون بمیرد کافر مرده است و جای او
در دوزخ است و دیگر قتل ناحق کردنست کما قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا
لا تقتلوا النفس التی حرّم الله الا بالحق یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید بخدا و
رسول قصد کشتن کسی مکنید که حرام گردانیده خدا او را مگر بحق دیگر احتراز کردن از
زنا است قوله تعالی و لا تقربوا الزنا انه کان فاحشة و ساء سبیلا یعنی نزدیک
نگردید بعمل زنا که نافرمانی بزرگست خدا را و بیحرمتی شریعت محمد صلعم است و دیگر
ربا خوردنست بقول خدا تعالی و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین یعنی
ترک کنید خوردن ربا را و دور شوید از آن و دیگر احتراز از غیبت کردن مؤمنان
قال الله تعالی و لا یغتب بعضکم بعضا یعنی غیبت نکند بعض از شما بعضی را
ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه آیا دوست دارد احدی از
شما گوشت مرده برادر خود را بخورد البته مکروه دارد و نخواهد خوردن کسی غیبت

کرده باشد چنانستکه گوشت برادر میت خود را خورده باشد و دیگر مال
یکدیگر را بنا حق خوردن قوله تعالی وَلَا تَاكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ یعنی و دیگر
مال یکدیگر را درمیان خودتان بناحق دیگر پرهیز نمودن از فساد کردن چنانچه
خدا یتعالی فرموده اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ یعنی خدا یتعالی دوست ندارد فساد
را و بانی ان هر که باشد خدای تعالی برکت از عمر و نعمت و بر میدارد و دیگر خیانت
کردنست چنانکه خداوند عالم در کلام مجید خود میفرماید لَا تَخُونُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ
وَتَخُونُوا اَمَانَاتِكُمْ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ یعنی خیانت نکنید بخدا و رسول او و خیانت
نمائید با مانتهای خودتان با وجود اینکه میدانید که خیانت زشت است باید
دل و جانرا پاک گردانید از خیانت دیگر اسراف کردنست قال اللّٰه تعالی اِنَّ
الْمُسْرِفِينَ هُمْ اَصْحَابُ النَّارِ یعنی اسراف مکنید و مسرفین اهل اتشند دیگر
گمان بد بردن در حق مؤمنان و برادران دینی است کما قال اللّٰه تعالی اِجْتَنِبُوا
كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ یعنی پرهیزید از گمان بردن بد در حق مؤمنان
بدرستی که گمان بد گناه و بهتان عظیم بود دیگر افسوس داشتن بر مسلمانان قوله تعالی
يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسٰى اَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ یعنی ایکسانی
که ایمان اورده اید بخدا و رسول سبک مشمارید و مسخره نکنید جمعی از شماها
جمعی را شاید بهتر از شماها باشند دیگر خواندن مردم را بلقب زشت و نام بد
کما قال اللّٰه تعالی وَلَا تَنَابَزُوا بِالْاَلْقَابِ بِئْسَ الْاِسْمُ الْفُسُوقُ یعنی مؤمنانرا بنام زشت
نخوانید که فسق و بدنامی تمام است دیگر متابعت هوای نفس است قوله تعالی
وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى یعنی نفس خود را از هوا و هوس
باز دارید و هر کس نفسرا از هوا و هوس باز داشت جای او بهشت است وحضرت

رسول ؐ فرموده حدیثی که مضمونش اینست بهترین خلق خدا انقومند که در روی زمین بهوای نفس نباشند و دیگر ایمن بودن از عذاب الهی است لا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون یعنی ایمن نباشند از مکر خدای مگر قوم زیانکاران و دیگر پیروی شیطان کردن کما قال الله تعالی ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین یعنی متابعت شیطان نکنید بدرستی که شیطان دشمن اشکار شما است و دیگر کتمان شهادت کردنست کما قال الله تع ومن یکتمها فانه اثم قلبه یعنی هرکس شهادت خود را مخفی دارد بدرستیکه بدکار و عاصی خواهد بود و هرکه گواهی بدروغ دهد با بت پرست برابر است بحکم این حدیث شریف قال النبی ؐ شاهد الزور کعابد الوثن یعنی هرکه گواهی بدروغ دهد چون بت پرست باشد و درجای دیگر لا یشهد الزور الا منافق یعنی گواهی بدروغ ندهد مگر منافق پس بر هرکار واجبست که حذر نماید از گواهی بدروغ دادن و احتراز کردن از دروغ گفتن کما قال الله تعالی ویل یومئذ للمکذبین یعنی دوزخ روز قیامت جایگاه دروغگویان است کما قال تعالی الکاذب عدو الله یعنی دروغگو دشمن خدا است کما قال النبی ؐ لا کبیرة اکبر من الکذب الا الشرک یعنی هیچ گناهی بزرگتر از دروغ نیست مگر شرک آوردن بخدای تعالی شعر

چو از شرک بگذشت بدتر گناه میان کبایر دروغ است آه
مگردان زبانت بگرد دروغ که باشد ز رخت دو عالم سیاه

فصل دوم در بیان عقاب ظالمان

بدانکه خدای تعالی غافل از عمل ظالمان نباشد کما قال تعالی ولا تحسبن الله غافلا عما یعمل الظالمون یعنی گمان مکنید که خدا غافلست از عمل ظالمان و نیز خدای تعالی فرموده الا لعنة الله علی القوم الظالمین یعنی بدانکه لعنت خدای بر قوم ظالمانست

و دیگر از رحمت خدا دور باشند ظالمان فردای قیامت و در زشت ترین صورها
خدا انها را برانگیزانند کما قال النبی صلعم یحشر الظالمون یوم القیامة علی صورة الذئب یعنی
برانگیزانند ظالمانرا در روز قیامت بصورت خرس قال النبی صلعم من سلم ظالم اختیارا
طار منه نور الایمان ولا یرجع اربعین یوما یعنی هر که سلام دهد ظالم را باختیار
خود برود نور ایمان از وی و نیاید تا چهل روز و نسل ظالم برود از دنیا تا انکه
منقطع شود از ظلم شد معو بر زا نسل منقطع وز عدل ماند نام علی زنده در جهان
قال النبی صلعم یوم المظلوم علی الظالم اشد من یوم الظالم علی المظلوم یعنی روز
مظلوم بر ظالم سخت تر است از روزیکه ظالم ظلم کرده باشد قال النبی صلعم اکثر اهل
النار المتکبرون شعر چون یقین میبایدت رفتن بگور پس مکن بر هیچکس
تو ظلم و زور زندگانی ایچنان کن در جهان کز تو ازرده نگردد مردمان
یعنی اکثر اهل دوزخ متکبران می باشند پس یقین بدان که هیچ گناهی بدتر از ظلم
نیست و بد نامی ان بسیار است و بعد از مرگ هرگز کسی نام اورا به نیکی نبرد شعر
در ملک خویش ظالم و فرمان قاطعش چندان روان بود که برآید روان او
هر کس بظلم خانهٔ مردم خراب کرد اباد بعد از ان نبود خانمان او.

باب هشتم در بیان آداب عالم و متعلم و فرزند با والدین

و این مبنی بود بر سه فصل فصل اول در بیان عالم و آداب او اول انکه
عالم باید که برد بار و حلیم باشد و نشست و برخواست باهستگی نماید و بر هیچ
کس تکبر ننوزد مگر بر متکبران و ظالمان چنانکه بزرگان دین فرموده اند التکبر
مع المتکبر عبادة وصدقة یعنی تکبر و گردن کشی کردن با گردنکشان عبادتست
و مانند صدقه دادنست و اگر کسی از عالم سوالی کند یا حرفی برخلاف میل او

او وی در رشتی نکند و جواب با صواب دهد و اگر در سؤال خللی اصلاح کرده و با
وی خشم نکند و اگر جواب او را نداند بر خلاف ما یرضی الله جواب نگوید و حکم
نکند و شاگردانرا بر تقوی و صلاحیت راهنمائی کند و بطرف آخرت سوق نماید
و از وادی جهالت بیرون آورده و بنور علم منور گرداند اما معلمی کار پیغمبران
و امامان است و هیچ مدرسهٔ بهتر از مدرسهٔ الهی نیست که در انجا معارف و
معالم قرانرا یاد گیرند و مردم را بسوی خدا بخوانند **فصل دوم در بیان**

آداب متعلم با عالم اول آنکه باید استاد را بنام نخواند و چون او را به
بیند تعظیم کند و غیبت استاد را نکند و در حضور استاد نخندد و کم حرف
زند و سخن بگوید و اگر از وی سؤالی کنند زبان درازی نکند و جواب نگوید و در
تمام مواقع و مراتب رعایت احترام استاد را داشته باشد بحکم حدیث نبوی که فرموده
افضل الآباء ابو العلم یعنی افضل پدران پدر علم است و نیز آنحضرت فرموده الآباء
ثلث اب ولدک اب زوجک اب علمک وخیر الآباء من علمک یعنی پدرها
سه باشند یکی پدر نسبی یعنی پدر تناسلی و دیگری پدر زن   و یکی عالمیکه
تورا علم بیاموزد و بهترین پدران پدری باشد که تورا علم بیاموزد و درباره
معلمان جناب رسولخدا فرموده اللهم اغفر للمعلمین واطل اعمارهم وبارک
لهم کسبهم وقال ایضا اللهم اغن العلماء ووفق المتعلمین وحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده در حق مؤدبان و معلمان کسی نتواند جواب گفتن دیگر حضرت
رسول ص فرموده ان افضلکم من تعلم القرآن ثم علمه یعنی فاضلترین شما کسی است
که قرانرا یاد گرفت و دیگرانرا تعلیم داد و در جای دیگر فرموده اکرموا الاستاد وان
کان فاسقا یعنی گرامی دارید استاد را اگرچه فاسق باشد و دیگر آنحضرت فرموده

من حقر استاده نسی ما قراه یعنی هر شاگردیکه حقیر شمارد استاد خود
را فراموش کند انچه را که خوانده است ونیز فرموده من استخف استاده ابتلاه الله
بثلاثة اشیا نسی ما قراه وکل لسانه وافتقر فی اخر عمره یعنی هر کس سبک شمارد
استاد خود را خدا یتعالی ورا به چیز مبتلا سازد اول انکه هر چه خوانده باشد
فراموش کند دوم انکه زبانش کند شود سوم انکه در اخر عمر درویش وفقیر شود
وچون بدر خانه استاد در رود اواز بلند نکند ومنتظر باشد تا استاد بیرون اید
طریق مروت واداب اینست وچون استاد او را کاری فرماید بجان ودل باراده
کامل قیام نماید وتواضع تمام کند زیرا که حضرت رسول فرموده ابناء الکرام
اذا تعلموا تواضعوا وابناء اللئام اذا تعلموا تکبروا یعنی بزرگ زادگان چون
علم بیاموزند تواضع وفروتنی نمایند با همه کس خصوصا با استاد خود ودیگر حضرت
رسول صلعم فرموده من علم ایة من کتاب الله فهو مولاه یعنی هر کس یک ایه از کتاب
خدا کسی را بیاموزد پس اقای ان یادگیرنده است حق استادی بود افزونتر از حق پدر
اینچنین امد ز قول حضرت خیر البشر فصل سیوم در بیان حقوق
والدین اول انست که هر چه گویند بشنوند وبان قیام نمایند زیرا که خدای
تعالی فرموده ان اشکر لی ولوالدیک یعنی شکر کن مرا که خداوندم وپدر ومادر
خود را که شکر اظهار افرین شکر خود قرار داده وبا ایشان با تواضع ونرمی سخن گویند
چنانکه خدا یتعالی فرموده ولا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا کریما
یعنی بر پدر ومادر اف نگوئید وبانگ بر ایشان نزنید که رضا خدا با رضا ایشان
برابر است چنانکه حضرت رسول صلعم فرموده رضی الله رضی الوالدین یعنی رضا خدای
تعالی رضای پدر ومادر است بیت جنت که رضا مادر انست اندر کف پای مادر انست

گر تو میخواهی رضای کردگار رو رضای والدین را گوش دار

وچون در بارهٔ ایشان نکوئی کنی منت بر ایشان منه وچون پدر ومادر بر پای خیزند
تو نیز بر پای خیز ودر راه رفتن بر ایشان سبقت مگیر وروی در هم مکش وبی دستور
ایشان سفر مکن ورضایت مادر ضعیف را رعایت کن که حضرت رسول فرموده
الجنة تحت اقدام الامهات یعنی بهشت در زیر قدمهای مادرانست ورضای
خدا در رضای ایشانست ودر بارهٔ عاق والدین میفرماید قل لعاق الوالدین اعمل
ما شئت فانک لن تدخل الجنة یعنی بگو بعاق والدین هرچه خواهی بکن که داخل
بهشت نخواهی شد دیگر حضرت رسول ص فرموده که ملک الموت در بارهٔ انکسانی
که در حق پدر ومادر احسان کرده باشند در موقع جان کندن بروی ایشان تبسم کند
وبارامی قبض روح ایشان نماید واما انهائیکه پدر ومادر خود را آزرده کنند جان
کندن بر انها بسیار دشوار باشد والعیاذ بالله من ذلک دیگر حضرت رسول ص فرموده
که فاضلترین کسبها آنستکه در بارهٔ ایشان احسان کنی کما قال الله تعالی وقضی ربک
ان لا تعبدوا الا ایاه وبالوالدین احسانا ابن عباس گوید که حقتعالی امر کرده است
که ستایش نکنید مگر خدا را وامر فرموده بر نیکی در بارهٔ پدر ومادر کما قال الله اما
یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا
کریما یعنی چون انها بزرگ وپیر شدند با ایشان درشتی مکن بقدریکه اف هم بایشان
مگوی که کوچکترین حرفست امام صادق صلوات الله میفرماید که اگر کوچکتر از
اف حرفی بود هر اینه خدا تعالی بان تعبیر میفرمود بنا بر این فرمایش امام وخدا تعالی
اف نمیتوان گفت واخفض لهما جناح الذل من الرحمة وقل رب ارحمهما کما ربیانی
صغیرا یعنی در حق پدر ومادر دعا کن وبگو پروردگارا رحم کن بر انها هم چنانکه بر من رحم

کردند و اگر فاسق و کافر باشند در حق ایشان طلب مغفرت مکن که در دین اسلام
روا نیست و گویند که این آیه در حق ابی وقاص نازل شده لا اقبل مع عقوق الوالدین عملا
یعنی طاعات و عبادات عاق والدین را قبول نکنم پس نکوئی با پدر و مادر را با سه چیز
برابر کرده اول با نماز دوم با حج سیم با جهاد و از حضرت رسول ص سؤال کردند که
عبادت خدا افضل است یا اطاعت پدر و مادر و خدمت انها فرمودند خدمت
پدر و مادر افضل است و از نماز و در اول وقت گذاردن شخصی بخدمت حضرت
رسول امد عرض کرد یا رسول الله بجهاد خواهم رفت انحضرت فرمودند پدر و مادرت
در قید حیاتند عرض کرد بلی فرمود برو در حق پدر و مادر مشفق و مهربان باش تا از
جملهٔ مجاهدان باشی جناب رسول خدا ص فرمود هر که قبر پدر و مادر را زیارت کند خدای
تعالی برای او ثواب حج و عمره بنویسد و در روایت چنین امده که روزی حضرت رسول ص
در مسجد نشسته بود ناگاه جبرئیل در رسید و گفت السلام علیک یا رسول الله قدم رنجه
فرموده بگورستان بقیع تشریف ببرید تا خاک قدمت بان غریبان و محبوسان زندان
تنگ و تاریک رسد و نسیم رحمت لطف تو بر ایشان وزد حضرت رسول ص برخاسته
با یاران چند رو بگورستان بقیع نهاده میرفتند جمعی در چپ و راست انحضرت بودند
امیر المومنین ع با ایشان رسید عرض کرد یا رسول الله بکجا تشریف میبرید فرمود بقبرستان
بقیع میروم چون بمیان قبرستان رسید ندا و اواز بگوش انحضرت رسید که میگفت الامان
یا رسول الله جناب رسالت مآب گوش بان قبر نهاده و فرمود ای اهل قبر مرا خبر ده از عذاب
خود ترا این عذاب برای چه میکنند اواز امد که ای شفیع عاصیان وای مقدم اهل ایمان
نفرین مادرم مرا باین عذاب مبتلا گردانیده که مادرم ازرده است الامان الامان یا رسول
الله انحضرت بلال را فرمود که اواز در شهر مدینه کند بلال با اواز جلی ندا کرد که یا ایها

الناس اجتمعوا علی قبور الآباء والامهات والقرباء بامر رسول الله ندای بلال بگوش
اهل مدینه رسید شهر بجوش در آمده بگورستان بقیع حاضر شدند پس پیره زن عجوزه
ضعیفه پشت خمیده و بر عصا تکیه کرده آمد برابر انقبرستان ایستاده و بآنحضرت سلام
کرد و خاک پایش را بوسید و عرض کرد یا رسول الله فرمان چیست فرمود ای پیره زن این
فرزند تست عرض کرد بلی یا رسول الله حضرت فرمود فرزند تو در میان بلا گرفتار است
او را حلال کن پیره زن گفت یا رسول الله او را حلال نمیکنم فرمود چرا ای پیره زن گفت او را با
شیره جان پرورده و خون جگر خوردم تا روزی پشت و پناه من باشد و بر من احسان کند
و چون بزرگ شد هر روز با من جنگ کرده و من ضعیفه را آزار داد آنحضرت فرمود
ای پیره زن دل خوش دار تا او از عذاب خلاصی یابد و آنحضرت دست بدعا بلند
کرده و عرض کرد خداوند بحرمت پنج تن آل عبا آواز این فرزند را بگوش این پیره زن
برسان تا مگر دل او بسوزد و بر فرزند خود رحم کند پس پیره زن را گفت گوش خود را
برقبر نه تا آواز او را بشنوی پیره زن گوش داده ناله و زاری فرزند خود را شنید و زار
زار گریست و گفت ای سید مرسلان و ای شفیع مذنبان این چه آواز است که از قبر می‌آید

که فوقی نار و تحتی نار و عن یمینی نار و عن شمالی نار و من بینی نار الامان الامان
ای مادر زینهار دل خوش کن اگر دل خوش نکنی تا قیامت همچنان در بلا خواهم ماند
و بیشک در دوزخ مخلد خواهم بود پس پیره زن رقت کرد با حال پریش و گفت
خداوندا از تقصیر فرزندم گذشتم در حال خداوند لباس رحمت باو پوشانید و او را
بخشید فرزند ندا داد ای مادر خدا تعالی از تو راضی باشد که از من راضی شدی و بخشیدی

گر تو میخواهی رضای کردگار　　بر رضای والدینت گوش دار

باب نهم در بیان اکرام مهمان و همسایه و ثواب تصدق

و اینباب مبنی بر سه فصل است **فصل اول** در بیان اکرام ضیف بدانکه
مهمانرا باید گرامی داشت چنانکه حضرت رسول فرمود من اکرم ضیفه فهو معی و مع
ابرهیم فی الجنة یعنی هرکه گرامی دارد مهمانرا در روز قیامت با من و ابرهیم باشد در
بهشت دیگر حضرت رسول فرمود الضیف دلیل یعنی مهمان راهنمای بهشت است
و نیز انحضرت فرمود الضیف اذا نزل نزلت البرکة واذا خرج خرج بذنوب اهله
یعنی مهمان که فرود اید برکت هم فرود اید و چون بیرون رود گناهان اهل انخانه را
ببرد و دیگر انحضرت فرمود البشاشة فی وجه الضیف احب الی الله تعالی من
عبادة مأة مقتد یعنی خوشنودی و خوشروئی در روی مهمان بهتر است نزد خدای
تعالی از عبادت صد مقتدی یعنی صد پیشوا و دیگر انحضرت فرمود اکرموا الضیف ولو
کان کافرا یعنی گرامی دارید مهمانرا اگرچه کافر باشد و اگر مهمان غریب باشد
گرامی تر است که میفرماید اکرموا غربائکم فانی فی الکبر کنت غریبا یعنی گرامی دارید
غریبانرا که من در بزرگی غریب بودم قوله تعالی ان الانسان لربه لکنود قال
رسول الله المراد الذی یاکل وحده و یمنع رفده و یضرب عبده حضرت رسول
فرمود هرکه خواهد خدا و رسول او را دوست دارند باید که طعام را بی مهمان
نخورد عرض کردند یا رسول الله روزه و حج و عمره کرده باشد فرمود اگر مؤمن نباشد
که نزد او مهمان اید و نظر در وی نکند مگر انکه حرام گرداند خدا تعالی بهر دو دیده
او اتش را عاصم بن صخره روایت میکند که روزی جناب علی بن ابیطالب را دیدم گریه
میکند گفتم یا امیر المؤمنین چه شده است ترا فرمود یا صخره مرا مصیبتی رسیده است
امروز هفت روز است مهمان بخانه من نیامده است میترسم که خدا تعالی بر من غضب
کند و دیگر چنین اورده اند که خدا تعالی وحی کرد بحضرت ابرهیم که ترا خلیل خود کردم

منت ننهادم و تورا برسالت فرستادم منت ننهادم و تورا اسمعیل و اسحق دادم و
منت ننهادم هرگاه یکنفر مهمان بتو فرستم منت بر تو نهم برای بزرگی مهمان دیگر
از انحضرت روایتست حدیثی که مضمونش اینست که جبرئیل مرا خبر داد که هرگاه در
خانه برادر مسلمان مهمانی اید هزار برکت و هزار رحمت میاورد و در هنگام رفتن
گناهان اهل انخانه را میبرد اگرچه گناهان ایشان بیشتر از ورق اشجار باشد و خدا تعالی
اهل انخانه را ثواب هزار شهید بدهد برابر هر لقمه که مهمان بخورد ثواب حج و عمره
برای او بنویسد و برای او شهری در بهشت عنبر سرشت بنا کند

فصل دوم در بیان حقوق همسایه

بدانکه همسایه را باید عزیز و گرامی داشت و نباید رنجانید زیرا که حضرت رسول صلعم
فرموده مَن اَکرَمَ جارَهُ وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ وَمَن اَذی فَعَلَیهِ لَعنَةُ اللهِ وَالمَلائِکَةِ
وَالنّاسِ اَجمَعینَ یعنی هر که گرامی دارد همسایه خود را هم چنان باشد که گرامی داشته
است هفتاد پیغمبر را و واجب میشود بر او بهشت و دیگر انحضرت فرمود که مَن اَذی
جارَهُ بِغَیرِ حَقٍّ حَرَّمَ اللهُ عَلَیهِ ریحَ الجَنَّةِ وَمَاْوٰهُ النّارُ یعنی هر که اذیت کند
همسایه خود را بدون حق حرام گرداند خدا تعالی بروی بوی بهشت را و جای او در دوزخ
و دیگر انحضرت فرمود مَن اطَّلَعَ عَلی بَیتِ جارِهِ فَرَأی عَورَةَ رَجُلٍ اَو شَعرَةَ امرَأَةٍ
اَو شَیئاً مِن جَسَدِها عَلَی اللهِ اَن یُدخِلَهُ النّارَ وَلا یُبالی یعنی هر که بی اجازه در
خانه همسایه رود و عورت مرد یا موی زن یا جسد او را ببیند خدا تعالی واجب
گرداند اتش دوزخ را بروی و باکی نداشته باشد و نیز انجناب فرموده اَلا اِنَّ اللهَ تَعالی
یَسئَلُ الرَّجُلَ عَن جارِهِ کَما یَسئَلُ عَنهُ حَقَّ اَهلِ بَیتِه یعنی خدا تعالی سؤال کند
از رفتار با همسایه و اداء حقوق او چنانکه سؤال کند از اهل خانه خود که حق [illegible] نمودند

فصل سیم در بیان صدقه دادنست

بدانکه صدقه دادن ثواب بیشمار دارد نزد خدا تعالی لذا فرموده است من جاء بالحسنة
فله عشر امثالها یعنی هر که نیکی کند برای خدا پس او را ده برابر نیکی در دیوان اعمال
او نوشته میشود ونیز میفرماید مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل
حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء
یعنی کسانیکه انفاق میکنند مالهای خودرا درراه خدا مثل کسی بود که یکدانه در زمین
بکارد و هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد حبه و خدا تعالی زیاد کند هر که
را خواهد و مضاعف گرداند و دیگر فرموده ان صدقة السر تطفی غضب الرب یعنی
صدقه در پنهانی خشم خدا را بنشاند دیگر انحضرت فرموده داووا مرضاکم بالصدقة
یعنی دوا کنید بیمارهای خودرا بصدقه دادن اگرچه اندک باشد نزد خدا تعالی
بسیار بود چنانکه فرموده الصدقة ترد البلاء یعنی صدقه دادن بازگرداند بلارا دیگر
انحضرت فرموده القلیل عند الله کثیر یعنی اندک چیزی از صدقه نزد خدای تعالی
زیاد باشد **نظم** گر تو میخواهی که برگردد بلا   باخلایق خیر و احسانی نما
زانکه از سید صحیح است این خبر   بهترین خیرات بر رد بلا   دیگر حضرت رسول فرموده
الصدقة تطفی الخطیئة کما یطفی النار الماء یعنی صدقه دادن بنشاند و بسوزاند
گناهرا چنانکه بنشاند اب اتش را و دیگر فرموده البخیل لا یدخل الجنة والسخی لا
یدخل النار یعنی بخیل ببهشت نرود و سخی بدوزخ نرود و دیگر فرموده کافر سخی
ارجی بالجنة من مسلم بخیل یعنی کافر سخی امیدوارتر است ببهشت از مسلمان بخیل
و دیگر انجناب فرموده السخی قریب من الله وقریب من الجنة وبعید من النار والجاهل
السخی احب الی الله تعالی من العابد البخیل یعنی سخی نزدیکست بخدا و نزدیکست ببهشت

ونزد یکست بخلق و بخیل دوراست زخدا و دوراست زبهشت و دوراست از خلق و نادان سخی نزدیکتراست بخدا از عبادت کنندۂ بخیل و نیز انجناب فرمود اَلْجَنَّةُ دَارُ الْاَسْخِیَاءِ یعنی بهشت جاء سخاوتمندانست شعر هست جنت جایگه سخی است زانکه هر کس بخل ورزد دوزخیست

خاتمه دربیان معاصی اندام و عمل خالص و تالیف و تحبیب قلوب

بدانکه نصف دین طاعت است و نصف ان از گناه باز داشتن است اندام را و بدانکه در روز قیامت تمام اعضای تو بر تو گواهی دهند و ترا در میان اولین و اخرین رسوا خواهند نمود چنانکه خدای تعالی در کلام مجید فرموده یَوْمَ تَشْهَدُ اَلْسِنَتُهُمْ وَاَیْدِیْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُوْنَ یعنی روز قیامت زبان شما و دست و پای شما بر شما گواهی دهند بانچه که شما در دنیا کرده اید و جمله اندام و اعضای خود را نگهدارید خاصه چشم و گوش و پا و شکم و فرج خود را اما چشم را از جهت ان افریده است که بان راه روی و چشم از پشت پای خویش برنداری و اسمان و زمین را نگاه کنی و عبرت گیری چنانکه فرموده فَاعْتَبِرُوْا یَا اُولِی الْاَبْصَارِ یعنی عبرت گیرید ای صاحبان چشم و اثار رحمت حقتعالی را بنگرید و چشم خود را از نامحرم بپوشید و گوش را بهران افریده که تا سخن خدا و رسول را بشنوی و علم حاصل کنی و بسعادت ابدی نائل شوی و در بشارت داخل باشی که خدا یتعالی فرموده فَبَشِّرْ عِبَادِیَ الَّذِیْنَ یَسْتَمِعُوْنَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهُ یعنی ای محمد مژده بده ان بندگانیرا که میشنوند قرانرا و متابعت میکنند از قول نیک او و گوش را نگهدارند از بدعت و سخن چینی و فحش و غیبت و حضرت رسول فرموده سَامِعُ الْغِیْبَةِ اَحَدُ الْمُغْتَابِیْنَ یعنی شنوندۂ غیبت مثل یکی از غیبت کنندگانست شعر

مکن غیبت و گوش را کر بگردان
که غیبت بود توشۂ کمرهان

اما زبان را از برای آن آفریده که ذکر خدا و قرآن را بخواند چنانکه خدای تعالی فرموده
فاذکرونی اذکرکم یعنی مرا یاد کنید تا من شما را یاد کنم دیگر فرموده که افضل الذکر
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و هر ذکری که غیر از این باشد زبان را
نگهدار خاصه از دروغ گفتن که گناه بزرگست و چون بدروغ گفتن معروف شوی
کسی بر قول تو اعتماد نکند و از خلف وعده کردن که نشانهٔ نفاق است چنانکه حضرت
رسول صلعم فرموده علامة المنافق ثلاث اذا وعد خلف و اذا حدث کذب و اذا اؤتمن
خان یعنی منافق را سه نشانه است چون وعده کرد خلاف کند و چون سخن گوید
دروغ گوید و چون امانت باو دهند خیانت کند شعر هر آنکس که گوید سخنها
دروغ نباشد دگر وعده اش را فروغ اما شکم را از حرام و شبهه خوردن
نگهدارد و از حلال اندک خورد که چون معده پر شود دل سیاه گردد و حافظه
تباه شود و از اعضا بعبادت نپردازد و سیر خوردن از حلال کلید همه بلیدها
است پس اگر از حرام باشد چگونه خواهد بود و طلب کردن روزی فریضه است و
بنان بی خورش قناعت کردن از حلال در نماند و یقین بدان که هر گوشتی که از لقمهٔ
حرام بر تن او بیفزاید پس سزاوار است که بآتش دوزخ بسوزد کما قال النبی صلعم کل لحم
نبت من الحرام فالنار اولی بها یعنی هر که گوشتش از حرام بیفزاید پس سزاوار است
بآتش اما نگاه داشتن دست از آزردن مسلمانان و حرام گرفتن و خیانت کردن و
بقلم چیزی نوشتن که بزبان نشاید گفتن از آنکه قلم چون زبان بود بلکه عظیم تر از
آنست زیرا که نوشته میماند و گفته میرود چنانکه مسلمانرا از دست و زبان زحمت
نباشد کما قال النبی صلعم المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه یعنی مسلمان کسی است
که سلامت باشند مسلمانها از دست و زبان او و اما فرج را از زنا نگاه داشتن که زنا

خوردن شهوترا بیفزاید وشهوت اندیشه آورد واندیشه برنگریستن زنا وحرام آرد
پس اصل همه شهوتها بسیار خوردنست خاصه نگاه داشتن از شهوت زنا که برکت
از مال وعمر بردارد قال النبی ع الزنا یورث الفقر یعنی زنا باعث شود فقررا دیگر
لقمان حکیم فرزند خودرا گفت یا بنیّ لا تزن فانّ الطیر لو زنی تناثر ریشه یعنی
ای پسر زنا مکن که اگر مرغی زنا کند پروبال او فرو ریزد امّا پاها را نگاه داشتن
از خانهٔ ظالمان رفتن یا از عقب نامحرمان رفتن خداوند عالم پاها را برای آن آفریده است
که بجا آنها مناسب ودرخصوص زیارت ائمّه علیهم السلام یا زیارت مؤمنین یا قضاء حوائج
آنها یا زیارت بیت الله وبخانهٔ سلاطین ووزراء وظلمه وعاملان آنها نرود مگر برای
ضرورت وهرکس توانگررا تواضع نماید برای دولت ونور از رخش برود کما قال الله
تعالی لعن الله من اکرم الاغنیاء لغناه ومن اهان الفقیر لفقره لا یفعل
هذا الّا منافق بل عدوّ لله یعنی لعنت خدا بر آنکسی باد که گرامی دارد توانگرانرا برای
توانگری آنها وخوار دارد فقیررا بسبب فقرش واین کاررا نکند مگر منافق که او دشمن
خدا است امّا دلرا از حسد وریا وشرز وعجب وکبر پاک کند که با این صفات عمل تورا
هیچ قربی نباشد بلکه هرگز مقبول نشود واخبار واحادیث بسیار در اینخصوص
وارد شده است وتورا این جمله کفایت کند که جابر انصاری گوید از حضرت رسول ص
شنیدم که باصحاب خود فرمود که چیزی بیاموزم شمارا اگر نگاه دارید سودمند شوید
واگر ضایع کنید شمارا عذر وحجت نماند نزد خدا تعالی که اورا هفتاد فرشته
است که ایشانرا پیش از آفرینش زمینها وآسمانها آفریده است وهر یکیرا بر یکی از
درهای آسمان موکّل کرده است چون کرام الکاتبین که رقیبند بر اعمال بندگان
از بامداد تا شب آنگاه عمل بندگانرا میبرند وباسمان اول میرسانند آن فرشته که دربان

اسمان اولست گوید این عمل را ببرید و بروی صاحبش بزنید که فرشتهٔ غیبتم خدای
تعالی فرموده که عمل غیبت کننده را نگذارم از من بگذرد و دیگری را که غیبت نکرده
باشد میبرند چون باسمان دوم میرسانند دربان ان گوید که این عمل را برگردانید
وبروی صاحبش بزنید که مراد از اینعمل غرض دنیوی بوده و مرا امر کرده اند که عمل
اورا راه ندهم که درمیان مردم فخر و مباهات میکرد پس عمل بندهٔ دیگر را میبرند
نور او از وی بتابد از صدقه و نماز و روزه چون باسمان سوم رسانند دربان ان گوید
اینعمل را بروی صاحبش بزنید که من فرشتهٔ کبرم او درمیان مردم و مساجد
تکبر میکرد و من اجازه ندارم که عمل او را بگذارم پس عمل بندهٔ دیگر را میاورند چون
ستارهٔ درخشان از نماز و روزه و حج و عمره چون باسمان چهارم میرسانند دربان
ان گوید اینعملرا برگردانید و بروی صاحبش بزنید که من فرشتهٔ عجبم که نگذارم عمل او
از من بگذرد زیرا او کاری نکرده است که عجب درمیان نباشد پس عمل دیگر را می
برند چون باسمان پنجم رسد دربان ان گوید که اینعملرا برگردانید و بروی صاحبش
بزنید که من فرشتهٔ حسدم و نگذارم که عمل وی از من بگذرد پس عمل بندهٔ دیگر را می
برند چون ماه روشن و باسمان ششم چون رسد دربان ان گوید اینعملرا بروی او با
زنید که من فرشتهٔ رحمم و هر که را رنج و مصیبتی رسید بوی رحم نکردی و شاد شدی
نگذارم عمل وی از من بگذرد عمل بندهٔ دیگر را میبرند که در روشنائی مثل افتاب بود
از زهد و ورع و تقوی و هزار فرشته او را میبرند چون باسمان هفتم رسانند دربان
او گوید که این عملرا بروی او باز زنید که من فرشتهٔ ریا هستم و نگذارم که هر عملیکه برای خدای
تعالی نباشد و دران ریا باشد از من بگذرد و هر عملیکه خالص برای خداوند و لایق
درگاه الهی نباشد او را قبول نکند پس عمل بندهٔ دیگر را از اسمان هفتم درگذرانند که